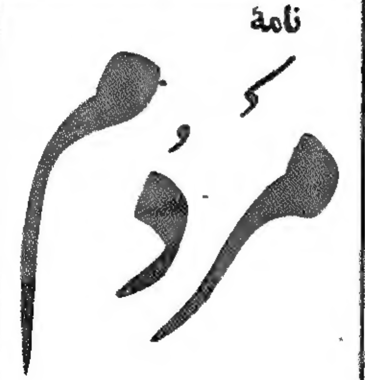


دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۱۹۷
پنجشنبه ۷ فروردینماه ۱۳۵۹ – تکشماره ۱۵ ریال

امام خمینی در پیام نوروزی خود خواهان رفع فوری و جدی مشکلات انقلاب ایران است

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران درپیامی که بمناسبت آغاز سال نو خطاب به مردم ایران فرستادند، برنکات مهمی تأکید کردند. امام در این پیام بر ضعفهای مهمی که انقلاب ایران را به مخاطره جدی انداخته است، بر وظایف و کارهای خطیری که یکسال واندی پس از انقلاب بزرگ ایران، هنوز انجام نیافته مانده است، بر انتظارات بجا و درستی که از جانب مردم دلاور و زحمتکش ایران مطرح گردیده و ازطرف مسئولین بی‌پاسخ گذارده‌شده است، بردشواریها وبحرانهایی که انقلاب ما را بشدت مورد تهدید قرار داده‌است، تأکید کردند و نگرانی خود را ابراز داشتند.

پیام امام، در آستانه دومین بهار آزادی مردم ایران، بیانگر آنست که انقلاب ایران مشکلات عظیمی پیش‌روی خویش‌دارد واین مشکلات چنان است که بسیاری از آنها نه طبیعی و غیرقابل اجتناب، بلکه محصول مستقیم سیاست نادرست مسئولین امر ونتیجه طبیعی‌عدم توجه آنها به وظایف خویش‌است.

بسیاری از زخمهایی که برپیکر انقلاب ما به چرك نشسته‌اند، بسادگی قابل درمان بودند وهنوز نیز ـ هر چند با دشواری بیشتر ـ قابل درمان هستند، ولی‌سیاست‌نادرست وغیرمسئولانه‌مقامات مسئول، ازجمله وبویژه دولت موقت، از این زخمها، دمل‌های کهنه و چرکین ساختند وپیکر انقلاب ایران را تب‌آلود کردند.

عوامل امپریالیسم‌آمریکا، که همه جا ازجمله‌دردولت موقت‌مهندس‌بازرگان لانه‌کرده بودند، با همراهی نیروهای لیبرال تمامی‌کوشش خویش را بکار بستند تا ازحل انقلابی‌معضلات‌اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورمان بسود زحمتکشان ودرجهت قطع وابستگی‌های اسارت‌بار به امپریالیسم، بویژه‌امپریالیسم آمریکا ممانعت کنند، از قاطعیت انقلاب درمقابل توطئه‌های ضدانقلاب بکاهند، ازسرمایه‌داران بزرگ غارتگر درمقابل کارگران، ازفئودالها وزمینداران بزرك درمقابل دهقانان ویا ازمستکبرین در مقابل مستضعفین وخواستهای بجا و منطقی‌آنان، دفاع کنند، درست بر اثر تلاش شوم وضدانقلابی همین نیروهاست که درپیام رهبرانقلاب ایران، یکسال و اندی پس ازانقلاب، نگرانی مایه میاندازد، ازوظایف انجام نشده وطرح های متوقف شده سخن‌میرود و ازمسخ بنیاد مستضعفین و تبدیل آن به بنیاد مستکبرین یاد می‌شود

پیام امام و وظایف دولت

پیام امام‌خمینی درموقعیت‌حساسی ازمسیر انقلاب بزرگ ایران، خطاب به مردم مطرح می‌شود. این‌موقعیت حساس عبارت‌است ازتلاش‌همه‌جانبه ودیوانه‌وار امپریالیسم‌جهانی، بسرکردگی‌امپریالیسم جنایت‌کار آمریکا، برای‌خفه‌کردن‌انقلاب ایران وفعالیت شدید ومخرب‌ضدانقلاب داخلی ـ عمال سیا، ساواك و موساد، سرمایه‌داران وابسته و فئودالها علیه اهداف استقلال طلبانه، آزادیخواهانه و خلقی انقلاب ایران.

درچنین‌شرایطی، انقلاب‌ایران‌برای پیشرفت و برای نیل به‌اهداف خودراهی جزموضعگیری‌قاطع‌علیه‌امپریالیسم، بسرکردگی‌امپریالیسم‌امریکا، علیه‌مستکبرین بسود مستضعفین، راهی جز کوشش برای تامین اتحادضدامپریالیستی‌مردم‌ایران‌و عقیم‌گذاردن تلاشهای‌تفرقه‌افکنانه ضدانقلاب، سازشکاران‌وانحصارطلبان‌ندارد. درست در چنین شرایط حادی است

بقیه در صفحه ۲

تدارکات جنگی و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور نزدیک و میانه علیه انقلاب ایران

از نخستین روز پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، امپریالیسم آمریکا درهمه‌زمینه‌های‌سیاسی، اقتصادی‌ونظامی کوشیده است تا این انقلاب را تضعیف نماید، ازپیشرفت روند آن جلوگیری کند و راه را برای فعالیت نیروهای ضدانقلاب در درون‌کشور و در صورت لزوم مداخله مسلحانه مستقیم علیه ایران‌هموار سازد.

با نگرشی به فعالیتهای گسترده سیاسی ونظامی امپریالیسم‌آمریکا در منطقه پس از پیروزی انقلاب ایران، بخوبی مشاهده میشود که این‌فعالیتها بابرنامه‌ای‌پیش‌بینی شده، منظم وهم‌آهنگ‌بموردا‌جرا گذارده شده است.

اکنون شبکه‌ای ازپایگاههای نظامی هوائی ودریائی وزمینی امپریالیسم‌آمریکا درمنطقه خلیج فارس وبطورکلی خاورنزدیك و میانه‌پدیدآمده‌است که هدف‌عمده آن علاوه بر تامین مواضع استراتژیکی نظامی آمریکا به ـ مقیاس جهانی در منطقه، ایجاد حلقه محاصره نظامی علیه‌ایران، افغانستان،سوریه‌وسازمان‌آزادی‌ـ بخش فلسطین است.

حضورمتجاوزاز ۳۰ ناوجنگی، پنج ناو هواپیمابرآمریکائی در آبهای خلیج فارس، تنگه‌هرمز، دریای عمان وآبهای مجاور این منطقه در اقیانوس هند، استقرار واحدهای‌هوابرد درپایگاههای نظامی آمریکادر مصیره(عمان) عربستان‌سعودی ودیگر کشورهای این منطقه، نیروی ضربتی این حلقه محاصره راتشکیل‌میدهند. این نیروهادرهرلحظه برای‌وارد کردن ضربه بمناطق‌حساس‌ایران از جمله منابع نفت، خطوط مواصلاتی وحتی مناطق مرکزی ایران مانند فرودگاه مهرآباددر تهران وشهرقم ونیزپیاده‌کردن نیرو به‌این مناطق آماده‌اند.

ازسوی دیگر، پس‌ازپیروزی انقلاب‌ایران، امپریالیسم‌آمریکا به تقویت وگسترش پایگاههای نظامی خود درکشورهای منطقه، که رژیمهای دست نشانده وسرسپرده آمریکا درآنها حکومت میکنند، پرداخت.

انقلاب ایران وانقلاب افغانستان، که مواضع‌سیاسی‌این رژیمهای ضد مردمی را متزلزل ساخت، برای‌همکاریهای‌نظامی وسیاسی این رژیمها با امپریالیسم آمریکا برزمینه‌توطئه‌وخرابکاری علیه انقلاب ایران وافغانستان شرایط مساعدتری پدید آورد و این‌کشورها بمرکز تدارکات جنگی، توطئه وتحریك و محل تجمع وتشکل‌ساواکیها وافسران فراری وهمه عناصرضد انقلاب تبدیل‌شدند.

«مصر، اسرائیل، عربستان سعودی، سودان، مراکش، اردن، امارات‌متحدعربی، عمان،مراکش وپاکستان کشورهائی هستند که‌پس ازپیروزی انقلاب ایران وانقلاب افغانستان، فعالیت نظامی‌آمریکا درآنها تشدید گردید وکمکهای نظامی وتسلیحاتی به‌آنهاافزایش یافت. در عین حال سران این کشورهاداوطلبانه تاسیسات‌نظامی وپایگاههای هوائی‌ودریائی خود را برای‌گسترش حضور نظامی، ایجاد پایگاههای نظامی جدید و پیاده کردن نیروهای مسلح،در اختیار آمریکا قرار دادند. رژیم بعثی عراق نیز در این توطئه امپریالیسم امریکا علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان شرکت فعال‌دارد. این کشورها با اینکه همه‌کشورهای‌ظاهرآ‌اسلامی هستند، خصم انقلاب ایران‌اند و درتمام توطئه‌ها واقدامات‌تحریك آمیز و تدارکات جنگی‌علیه‌انقلاب ایران باامپریالیسم‌آمریکاهمکاری نزدیك دارند.

توطئه‌کمپ دیوید، که با خیانت‌انورسادات بمنافع‌خلقهای عرب وبویژه خلق عرب فلسطین انجام‌گرفت، جبهه متحد مقاومت در برابر اسرائیل تجاوزکار و وحامی‌آن امپریالیسم آمریکا را درهم‌شکست. اکنون‌دراین‌جبهه‌عملا سوریه‌وسازمان‌آزادیبخش‌فلسطین که‌به‌آرمانهای آزادی واستقلال خلقهای عرب وفا دار مانده‌اند، باقی مانده‌اند.

با خیانت رژیم سادات به خلقهای‌عرب، مصرپس‌ازاسرائیل به دومین نقطه اتکاء و مرپل تجاوزآمریکا به حقوق واستقلال ملی خلقهای این منطقه تبدیل گردید.

رژیم سادات در منطقه نقش ژاندارم را بعهده‌گرفت، واحدهای نظامی‌مصر به عمان اعزام شدند وسیل تسلیحات‌آمریکائی‌به این‌کشور روانه شد.

پس از شکست توطئه امپریالیسم‌آمریکا، پاکستان‌وچین علیه‌جمهوری‌دمکراتیك‌افغانستان کمکهای نظامی‌وتسلیحاتی‌امریکا

بقیه در صفحه ۲

مالکیت و حاکمیت
آیا کشتی انقلاب ایران به بندرگاه خود رسیده است؟
صفحه ۹

درصفحات بعد

برای مبارزه مؤثر با امپریالیسم، اقدامات مشخص برای ازبین بردن پایگاه اقتصادی اجتماعی امپریالیسم ضرور است

شعارهای ضدامپریالیستی و خلقی را بر اقدامات مشخص و سازنده ضدامپریالیستی وخلقی درهمه شئون حیاتی کشور استوار سازیم وجوانقلابی را با عمل انقلابی تقویت کنیم

پیگیری در انقلاب و پیشبرد پیروزمندانه اهداف آن، بیشك به تداوم جو انقلابی در کشور نیازمند است، بویژه، هنگامی که امپریالیسم و در راس آن امپریالیسم‌امریکا،وضدانقلاب پرورده آن ازپای ننشسته، به فتنه انگیزیها، تحریکات وخرابکاریها، تهدیدات‌نظامی وکاربرد زور واسلحه ادامه میدهد، شور وجو انقلابی‌باید بیش ازپیش تقویت گردد.

روند انقلابی بی‌جوانقلابی ممکن نیست، همچنانکه جوانقلابی خود محصول روند انقلابی است. لیکن پیگیری درجنبش ضدامپریالیستی وتداوم جو انقلابی درکشور را نباید تنها‌به دادن شعار، سخنرانی وشرکت درتظاهرات محدود و منحصر دانست.

امروز کمتر کسی است که بوسعت و عمق نفوذ پرسابقه و سلطهٔ خانمان برانداز امپریالیسم بطور کلی وامپریالیسم امریکا، بویژه، درهمه امور حیاتی‌کشور ماواقف نباشد. امپریالیسم طی سالیان دراز بطرق گوناگون و وسائل مختلف‌درصنایع، درکشاورزی ودامپروری، درامور مالی ودارائی، دربازرگانی خارجی وداخلی، در سیاست‌ارزی‌وگمرکی رخنه کرده‌و مواضع حساس رازیرنظارت‌خود گرفته بود. ازراه تسلط بر امور اقتصادی، امپریالیسم توانسته بود مقامات حاکمه رژیم شاهنشاهی، شاه ودربار سلطنتی، هیئت دولت ووزارتخانه‌ها، مجلسین شورا و سنا، استانداران و فرمانداران را فرمانبردار خود سازد، قوای‌مقننه، قضائیه ومجریه را بازیچه دست خویش‌کند وبدینسان بر سیاست کلی داخلی وخارجی کشورحاکم شود. بااستفاده ازاهرمهای مقتدر اقتصادی وسیاسی، امپریالیسم، ایران رابه پایگاه نظامی خود تبدیل کرده بود وازراه فروش اسلحه وبوسیله مستشاران خود، هم ثروت مارا غارت میکرد وهم بندهای‌اسارت رامحکمتر میساخت. امپریالیسم به رشته‌ی فرهنگ وتمدن پرسابقه وپرمضمون ما نفوذ کرده، طرز تفکر، معنویات و اخلاقیات، معتقدات وآداب ورسوم مردم ایران راتحت تاثیر خانمان‌ـ برانداز خود قرارداده بود.

اماآنچه نفوذوتسلط امپریالیسم رادرایران (مانندیگر کشورهای وابسته جهان) آسان میکرد، تنها خیانت طبقه حاکمه نبود، گرچه این خیانت پیشکی خود تاثیر فراوان داشت. همگونی مناسبات اجتماعی حاکم، همجنسی روابط تولیدی مسلط برجامعه، که مناسباتی مبتنی براستثمار فردازفرد بود، یا مناسبات اجتماعی ـ اقتصادی امپریالیستی، سبب اصلی وعینی‌تسهیل‌این نفوذوسلطه بود. بعبارت‌دیگر، درایران، جامعه‌ایکه دربنیاد باامپریالیسم همجنس بود، یعنی جامعه سرمایه‌داری گسترش سیاقت، که آخرین مرحله رشد تاریخیش همین امپریالیسم میشد. این همجنسی بنیادی نظام های اجتماعی‌ـ اقتصادی زمینهٔ عینی و عمده این نفوذ وسیطره بود. از اینرونیزراه اساسی ریشه کن‌کردن سلطه ونفوذ امپریالیسم ازکشور وازبین بردن امکان احیای مجدد آن، همانا نوسازی بنیادی جامعه از طریق اتخاذ راه رشد غیر سرمایه‌داری است.

انقلاب شکوهمند مردم ایران برهبری امام خمینی، با سرنگون کردن رژیم فاسد شاهنشاهی، قطع تسلط ونفوذ امپریالیسم در همه رشته‌های حیاتی امورکشور راهمچون وظیفه اساسی تداوم انقلاب وشرط ضروری نوسازی بنیادی‌جامعه دردستورروز‌گذاشت. درارتباط باهمین امر بودکه رهبر انقلاب متذکر شد:

«باید بدانند که درایران باز انقلاب است، انقلابی بزرگتر از انقلاب اول... دراین‌انقلاب شیطان بزرگ آمریکاست».

مبارزه انقلابی علیه تسلط امپریالیسم درراه تامین استقلال و آزادی، رفاه وترقی، بایستد در شکل‌های مشخص ریشه کن‌کردن نفوذ امپریالیسم ودر درجه اول امپریالیسم‌امریکا، درهمه‌رشته‌های حیاتی اقتصادی، اجتماعی،سیاسی، فرهنگی ونظامی صورت گیرد. تا عملا و واقعا دست سرمایه‌داران وابسته از صنایع، بانك‌ها، کشاورزی وبازرگانی کوتاه نشود، محو سلطه امپریالیسم دراقتصاد کشور ونوسازی بنیادی اقتصادملی میسر نخواهد بود. بدون الغای بزرگ مالکی وکوتاه‌کردن دست زمینداران بزرگ از غارت و استثمار روستائیان زحمتکش نمیتوان هماهنگی اقتصاد ملی را، که شرط ضروری رشد وگسترش مستقل اقتصاد کشوراست، تامین کرد. تاتجارت خارجی ودرارتباط باآن بازرگانی داخلی تحت‌نظارت متمرکز وموثر دولت انقلابی‌قرار نگیرد، مبارزه موثر باگرانی و گرانفروشی واحتکار ممکن نیست. سرمایه داران وابسته، زمینداران بزرگ وبازرگانان‌محتکر محملـ های اجتماعی اصلی نفوذ و تسلط امپریالیسم درکشورند.

بدون تنظیم یك سیستم بانکی واحد، نظام مالی معین و سیاست گمرکی مشخص نمیتوان از فرار سرمایه وثروت ملی جلوگیری کرد وروابط متقابل سرمایه داخلی و خارجی رادر سمت درست قطع ریشه تسلط امپریالیسم و تامین رشد مستقل جامعه هدایت نمود.

تانظام شورائی، که شکل حاکمیت مترقی ودمکراتیك خلق است، بدرستی ودرعمل‌پیاده نشود، همیشه این امکان وجود دارد که گرایش به امپریالیسم، که دراین یاآن گروه اجتماعی وجود دارد، زمینهٔ احیای سیطره امپریالیسم رامهیا سازد.

احزاب، گروهها، جمعیت‌ها و سازمانهائی که درخط انقلابند، هریك بفراخور حال خویش، نظرات وپیشنهادهای خودرا درباره اینگونه مسائل اساسی اعلام داشته‌اند.

حزب توده ایران پیشگام طرح پیشنهادهای سازنده وجامع درهمه این زمینه‌ها بوده است.

باجلب همه این نیروهاوشرکت آنها درفعالیت عملی روزانه است که میتوان ازاین‌نظرات‌وپیشنهادها بنفع‌پیشبردانقلاب ضدامپریالیستی وخلقی ونوسازی بنیادی جامعه و تامین استقلال، آزادی و رفاه همگانی حداکثر استفاده راکرد.

شعار های ضد امپریالیستی و خلقی رابر اقدامات مشخص و سازنده ضدامپریالیستی وخلقی در همه شئون حیاتی کشور استوار سازیم وجو انقلابی رابا‌عمل‌انقلابی تقویت کنیم.

مذاکره با افغانستان اقدام معقول و درستی است

آقای‌قطب‌زاده، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، طی‌یك‌مصاحبه‌تلویزیونی، که سه‌شنبه‌شب(۵ فروردین) پخش گردید، ضمن مطالبی‌که درباره افغانستان بیان داشت، اشاره‌کرد که دولت جمهوری اسلامی‌ایران قصد دارد بادولت افغانستان‌باب مذاکره رابگشاید. قطع نظراز چگونگی طرح مسایل مربوط به افغانستان ازجانب آقای‌قطب‌زاده که بنظر مامیتواند مورد بحث و انتقادقرار گیرد، افتتاح باب مذاکرات باافغانستان جهت حل اختلافاتی که احیانا بین‌جمهوری اسلامی‌ایران‌وجمهوری دمکراتیك افغانستان وجود دارد، اقدام معقول ودرستی است.

دولت جمهوری افغانستان تاکنون بارهاازربان ببرك کارمل رئیس‌جمهوری‌دمکراتیك‌افغانستان اعلام داشته است که خواستار برقراری‌روابط حسنه باجمهوری اسلامی ایران است. بنابراین اگر دولت‌جمهوری اسلامی‌ایران درخواست انجام مذاکره برای حل اختلافات بااین کشوربنماید بی‌یقین دولت‌جمهوری دمکراتیك افغانستان، این درخواست رابا طیب خاطرخواهدپذیرفت.

حزب توده‌ایران‌بنوبه‌خود خواستار است‌که این مذاکرات بین دولت‌کشور ماباودلت کشور همسایه‌افغانستان‌انجام پذیرد و امیدوار است که این مذاکرات به نتیجه مطلوب بسود تحکیم و تقویت انقلابهای‌ضدامپریالیستی وخلقی، که در هردوکشورانجام گرفته، منجر گردد.

«مبارزان» افغانی در ایران مواد مخدر و اسلحه قاچاق می کنند

«مبارزان» افغانی درایران، مواد مخدرقاچاق میکنند و با کشیدن چاقو و ... انداختن دعوا نظم خیابان‌را بهم می‌ریزند.

آنچـه ازاین فعالیت «مبارزان» افغانـی درایران پرده برمیدارد، دو نهادکاملا رسمی واسلامی ایران است.

دادستان انقلاب اسلامی استان سیستان، در تذکری‌که به این «مبارزان» داده ودرروزنامه آزادگان مورخ ۲۸ اسفند۱۳۵۸ درصفحه ۱۵ چاپ شده، چنین اعلام‌کرده است:

«لازم دانستیم به‌کلیه برادران پناهنده ویاآنها که با مجوز قانونی وارد ایران میشوند، متذکر شویم که حق‌حمل هیچگونه سلاحی را نداشته وچنانچه افراد مسلح و متخلف وابسته بیکی ازاحزاب سیاسی که درایران‌دارای‌دفتر نمایندگی میباشند، مشاهده‌گردد، مسئول، این دفاترشناخته خواهند شدونیز **از حمل ومبادله هرنوع مواد مخدر جدا خودداری نمایند. بدیهی است متخلفین طبق موازین شرعی وقوانین‌جمهوری اسلامی ایران محاکمه ومجازات خواهند شد.»**

ازاین تذکر دادستان انقلاب اسلامی استان سیستان معلوم میشودکه:

«دفاتر احزاب سیاسی» افغانستان در ایران وجـود دارد، «مبارزانی» که ازافغانستان‌به‌ایران «پناهنده» میشوند ویابا«مجوز قانونی وارد ایران میشوند، «درخاک‌ایران به«حمل‌سلاح»میپردازند ومواد مخدر «حمل» و«مبادله» میکنند!

اما کار به‌همین‌جا تمام نمیشود، براساس‌گزارش روزنامـه اطلاعات (۶فروردین۵۹)،

«طی یك نزاع‌دسته‌جمعی که بین‌گروهی ازافغانیهای ساکن تهران درخیابان مولوی روی داد، یکـی ازآنها بـا ضربات چاقوکشته شد وچندتن دیگرزخمی شدند.» و:

«ماموران که درمحل حادثه حضوریافته بودند، اقدام به‌دستگیری عاملان نزاع کردند و۴۰تن ازآنها راکه مجهزبه چاقو، قمه، کارد وپنجه بکس بودند، به‌کلانتری ۱۶ انتقال دادند.»

و«پس طبق‌گفته مسئولان‌کمیته قائم‌آل‌محمد، واقع‌دردروازه غار، به‌خبرنگار اطلاعات،

«بدنبال‌نزاعی که‌بین‌افغانیهادرخیابان‌مولوی‌روی‌داد، حدود ساعت یازده سکنه خیابان مولـوی حـدود سیصدتن افغانی را دستگیرکرده و باین‌کمیته تحویل دادند. ماابتدا باکمیته مرکزی وسپس بادفتر ریاست جمهوری تماس‌گرفته و درمورد وضع دستگیرشدگان افغانـی کسب تکلیف‌کردیم. از کمیته مرکزی پیرامون موقعیت افغانی‌ها توضیحاتی خواسته شد. **به‌آنها گفتیم عده بسیاری ازاین‌افغانی‌هاکارت عضویت‌جمعیت حرکت اسلامی افغانستان را دردست دارند و چـون‌کمیته مرکزی و دفتر ریـاست جمهوری‌گفتند باکسانـی کـه‌کارت عضویت‌جمعیت حرکت افغانستان را دردست دارند، کاری نداشته باشیم، ماهم‌همه‌افغانیهارا آزاد کردیم»!**

با اینکه این‌دوخبر نیازی به‌تفسیر ندارد، ولی دریك‌کلمه بایدگفت‌که هرچه زمان میگذرد، دم‌خروس «مبارزان» افغانـی و سازمانهایشان بیشتر لومیرود.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

یکی ازکارگران شرکت برق تهران	۱۰۰۰	ریال
الف . ق ازکرمانشاه	۳۸۵	»
سازمان حزبی درصحنه	۴۹۵۰۰	»
سازمان حزبی در شهر کرد	۱۵۰۰۰۰	»
کمك به کارزار انتخاباتی حزب		
کیلانی	۱۰۰۰۰	ریال

بازگشایی دفتر حزب تودهٔ ایران درقزوین

دفترحـزب تودهٔ ایـران، سازمـان شهرستان قـزوین در آخرین روزهـای سال‌گذشته در این شهرافتتاح شد.

درمراسم افتتاح ایـن دفتر که با پخش سرود حزب تـوده ایران آغازشد، ابتدا رفیق‌احمد بردکا، کارگرشهرصنعتی البرز و کاندیدای حزب تودهٔ ایران‌برای نمایندگی‌مجلس‌شورای ملی، پشت تریبون‌قرارگرفت وضمن‌سخنانی گفت:

«ما وارث سنت‌هـای اصیل مبارزاتی‌رفقایی‌چون ارانـی‌ها، روزبه‌ها، سیامك‌ها، حکمت‌جوها تیزابی‌ها، پیکوتدها، جانجانی‌ها و...هستیم.»

رفیق بردکا درپایان سخنان خودگفت:

«آینده به دست تـوانای زحمتکشان ایران بنا خواهندشد و تاریخ رسالت انجام این وظیفه را به آنها سپرده است.»

پس از رفیق بردکا ، شعری ازسیاوش‌کسرایی شاعر تودهـا قرائت شد و آنگاه رفیق جواد یکی‌ازمسئولین حزب تودهٔ‌ایران درقزوین ضمن سخنانی به‌گشایش مجدد دفتر حزب تودهٔ ایران در این شهراشاره کرد وگفت:

«دفترحزب تودهٔ ایران در قزویـن اینك پس از ۳۱ سال گشوده می‌شود. این‌مسئله‌نمایانگر ریشه داشتن‌حزب تودهٔ ایران در میان زحمتکشان وسرسختی آن‌در راه آرمان‌کارگران وزحمتکشان است.»

رفیـق جـواد سپس ضمن، یادآوری خاطرهٔ گرانقدررفقای فقید عبدالصمدکامبخش و محمد رضا قدوه، کـه درقزوین فعالیت حزبی داشتند، تأکید کرد کـه: «جوانان قـزوین راه آن‌ها را ادامه می‌دهند».

در این مراسم آنگاه یکی ازرفقا شعری را که بـه مناسبت گشایش دفترحزب سروده بـود، قرائت کرد.

مراسم بازگشایی دفترحزب تودهٔ ایران درقزوین با شعارهای «زنده باد جبهه متحد خلق ما» و «سنگر زحمتکشان، حزب تـودهٔ ایران» و سپس سرود حزب بـه پایان رسید.

تدارکات جنگی...

بقیه ازصفحه ۱

به‌رژیم سرسپرده وضدخلقی‌ژنرال ضیاءالحق در پاکستان تشدیـد گردیدو این کشوربه پایگاه‌نظامی آمریکا علیه جمهوری دمکراتیك افغانستان و جمهـوری اسلامـی ایران تبدیل‌گردید.

بدیـن تـرتیب در سراسر منطقه خلیج‌فارس و خاورنزدیك ومیانه، امپریالیسم‌آمریکا بااعزام واحدهای نیروی دریائی وهوائی وزمینی‌خود به این‌منطقه وتقویت نیروهای مسلح اسرائیل ، مصر، عربستان سعودی، عمان، مراکش سودان، پاکستان و تبدیل ایـن کشورها به پایگاه نظامی‌وسرپل تجاوز و همچنین بکمك رژیـم بعثی عراق ، سودیـه ، سازمان آزادیبخش فلسطین، جمهـوری اسلامی‌ایران‌وجمهوری‌دمکراتیك افغانستان را درمعرض‌خطرجدی مداخله نظامی وتجاوز مسلحانه قرار داده‌است.

اقدام‌دولت‌آمریکا بانتقال شاه مخلوع‌ازپاناما بمصر، حلقه‌دیگری از توطئه و تحریکات و عملیـات خرابکارانه امپریالیسم آمریکا و رژیمهـای سرسپرده‌آن درمنطقه علیه انقلاب ایـران‌است. دولت آمریکا بـا این اقدام گستاخانه نشان دادکـه مسئله استرداد شاه مخلوع وبـازگرداندن ثروتهای غارت شده از جـانب وی برای مقامات آمریکائی هـرگز مطرح نبوده است. علاوه براین، آمریکا با این‌اقدام، شاه مخلوع را بـه مرکز توطئه و تحریکات نیروهای ضدانقلاب یعنی مصر، که یکی از مراکز مهم‌ضدانقلاب‌ومحل‌تجمع وتمرکزساواکیهاوافسران‌فراری است، منتقل نموده وامکان‌شرکت مستقیم وی درفعالیتهـای ضد ـ انقلابی و سیاسی را فراهم کرده است .

انتقال‌شاه مخلوع از پاناما به مصر، روی خوش مـاوریهای‌آن مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران، که‌فعالیت خودرا درزمینه استرداد شاه‌مخلوع، ازپیروزیـ‌های سیاست خارجی‌ایران‌قلمداد میکردند، خط بطلان کشید .

اینهاست‌آن منابع خطرواقعی و منشاء تمام توطئه ها وتحریکات علیه انقلاب ایران ، که بوسیله امپریالیسم آمریکا ایجاد گردیده است ..

برای حفظ‌دستاوردهای‌انقلاب وتحکیم وگسترش آن، باید همه نیروها را علیه این خطراصلی، جدی وواقعی بسیج کرد .

آیا با اینگونه تصمیمات میتوان تورم را مهار کرد؟

بموجب‌لایحه‌قانونی مورخ ۵۸/۲/۴ مصوب شورای انقلاب ، حداکثر حقوق کارکنان‌واحدهای‌دولتی ۲۵۰۰۰ تـومـان تعیین گردید. این تصمیم تاماه بهمن‌اجراشد، ولی‌اخیرا روزنامه ها خبردادندکه تبصره‌ای بشرح زیر به ـ لایحه قانونی‌مزبوراضافه شده است :

«در صورتیکه شرایط بازار کاربرخی ازمشاغل بسیارتخصصی و استثنایـی و نیـاز استخدامی پاره‌ای از دستگاه هـای دولتی اقتضا نمـاید ، مبالغی بیشتر از حـداکثرمبلغ تعیین شده دراین ماده به مستخدمین مشاغل‌مربوط پرداخت شود. این امر باتصویب شورای حقوق ودستمزد و تـایید هیئت وزیران امکان‌پذیر خواهد بود.» بدین‌ترتیب شورای انقلاب درشرایط فعلی‌کشور به‌این‌نتیجه رسیده‌است‌که حتی‌حقوق ۲۵۰۰۰ تومان هم برای بعضی از مشاغل **کافی** نیست و باید مبالغی بیشتر (که حتی حداکثرآن هـم تعیین نشده است) بـه شـاغلین چنین مشاغلی پرداخت‌گردد .

پـرداخت حقوق ۲۵۰۰۰ تومانی بکارکنان بخش دولتی و حتی خصوصی مبلغ‌گزافی‌است‌که دررژیم شاه مخلوع معمول‌گردید ومتاسفانه دردوران پس‌ازانقلاب نیز، بشرحی کـه‌گذشت ، نه تنها آنرا تاییدکرده‌اند ، بلکه مبلغ آنـرا هـم بموجب مصوبه‌اخیر شورای‌انقلاب افزایش داده‌اند

کسی که‌ماهانه‌مبلغ ۲۵۰۰۰ تومان حقوق دریافت‌کند ، یعنی روزانه مبلغی بیش‌از ۸۳۰ تومان تحصیل میکند .

حال‌اگراین‌رقم‌را بادرآمد روزانه اکثریت مـردم‌زحمتکش ایران مقایسه‌کنیم، خواهیم‌دیدکه بهیچوجه تناسب بین درآمد هـا رعایت نشده است .

درزمانی‌که تعدادکثیری از هموطنان ما درشرایط «زیرفقر» زندگی میکنند، آیا عده‌ای حق دارند چنین درآمدهای سرشاری داشته باشند؟ آیا صحیح آن نیست که بـا توجه به‌درآمد سرانه و بمنظورایجاد تعادل‌بین‌گروههای مختلف صاحب درآمد ، حداکثر حقوق درواحدهای دولتی‌را کاهش دهیم و مادام‌کـه حداقل زندگی برای هم‌میهنان محروم ما تامین نشده، مانع آن شویم‌کـه اقلیتی چنین درآمدی داشته باشد؟

متاسفانه نه‌تنها دراین‌زمینه این اقدام منطقی‌انجام‌نگرفته، بلکه همانطورکه توضیح داده‌شد، باپیش‌بینی شرایطی، اجازه داده شده‌کـه مبالغی بیش ازحداکثر تعیین شده نیزپرداخت‌گردد.

باید توجه داشته باشیم کـه شرایط مقـرر در لایحه قـانونی معمولا رعـایت نمیشود وموافقت مسئولان واحد های مربوطه عملا برای پرداخت حقوق هائی بیش از ۲۵۰۰۰ تـومان کافی است. بنابراین باید انتظار داشت‌کـه بتدریج برتعداددریافت کنندگان چنین حقوقهای‌کلان اضافه‌گردد و آثـار نـامساعد اجتماعـی و اقتصادی‌آن گریبانگیر توده‌مردم شود .

توضیح آنکه، درشرایطی‌که تورم شدید وجود دارد وگرانی، زندگی‌مردم زحمتکش‌را سخت‌تر کرده‌است، نه‌تنها پرداخت‌اضافه حقوق بصاحبان درآمدهای‌گزاف مجاز نیست، بلکه باید باکاستن‌از میزان اینگونه حقوقها، درجهت کم‌کـردن فـاصله بین‌حداقل و حداکثرحقوق اقدام‌کرد و بدین ترتیب هم در جهت ایجاد تعادل بین‌گروههای مختلف درآمدقدم ... وهم باتورم‌موجودمبارزه ...

سئوالی که دراین‌ارتباط‌به ذهن میآید این‌است کـه، آیا در شرایطی که‌وجود بیش‌از۲۰درصد تورم، زندگی اکثریت‌مردم را با دشواریهای متعدد روبرو کـرده است، باید با اتخاذ چنین‌تصمیمی برفشارتورم افزود ویا بااقدامی عکس، باتورم بمبارزه برخاست؟

فزون‌براین، مردم بـاید بدانند کـه این کـدام مشاغل **بسیار تخصصی و نیـاز استخدامـی** است‌کـه پرداخت چنین مبالـغ گـزافی بعنوان حقوق‌را توجیه میکند ؟ درکشوری‌کـه اکثریت کارگـران و دهقانان آن پس از ساعتها کارطاقت‌فـرسا ، فقط نان بخور و نمیری‌برای‌خود وخانواده خـود بدست میآورند، این کدام تخصص است‌که حتی حقوق‌ماهانه ۲۵۰۰۰ تومان جوابگوی‌تخصص او نیست وباید مبلغی بیشتر به‌او پرداخت‌کرد؟ آیااین تصمیم‌باتوجه به میزان‌درآمد گروههای‌مختلف مردم‌اتخاذ شده است؟

بنظرمیرسدکـه تجدیدنظر دراینمورد ضرورت اساسی دارد و بجا است‌کـه‌شورای‌انقلاب به ـ منظورکاستن ازفاصله زیادموجود بین درآمدها و همچنین کم‌کردن ازمیزان تورم، کـه درحال‌حاضر به حد نگران کننده‌ای‌رسیده‌است، و بـالاخره بدلیل اینکه بتوان حقـوق در بخش خصوصی‌را نیز بدنبال‌بخش دولتی‌متعادل کرد، در تصمیم قبلی تجدیـد نظر کند و تصمیم جدید خودرا باتعقیب‌هدف لزوم‌کاستن از حقوق های‌گزاف، هم در بخش دولتی وهم در بخش خصوصی اعلام‌کند.

باز هم خبرها از امپریالیسها میرسد

پدیده مثبتی که ازآن خبردادیم، هنوزهم درنطفه است ودر دوبخش مهم خبری پریروز صدای جمهوری اسلامـی ایران، از۵ منبع جدید خبرپخش شد، که البته ۳تای‌آن ازمنابع امپریالیستی بود. جدول زیرنشان دهنده منابع تغذیه کننده رادیوی ایران در روزپنجم‌فروردین است، بارکوردی که خبرگزاری فرانسه دارد.

نام خبرگزاری‌ها	ساعت ۸	ساعت ۱۴	ساعت ۲۱
خبرگزاری فرانسه	—	۱۰خبر	۱ خبر
» آسوشیتدپرس	—	۴ »	۲ »
» رویتر	—	۱ »	۱ »
» یونایتدپرس	—	۲ »	۳ »
دفترمرکزی خبر	—	۱ »	—
الشرق مصر	—	—	۱ »
نیویورك‌تایمز	—	—	۱ »
دیلی‌اکسپرس	—	—	۱ »
دی‌پرس‌اطریش	—	—	۱ »
تاس	—	—	۱ »

امام‌خمینی درپیام...

بقیه ازصفحه ۱

که پیام هشدارآمیزامام خمینی، خطر را درعمق صفوف انقلاب، در ضعف‌شدید پشت جبهـه وعقبگاه انقـلاب ایـران می‌نمایاند و از دهـان میلیونها دهقان زحمتکش، ازقلب میلیونها کارگرنجدیده وازمنزمیلیونها کـوخ نشین، که نقش اصلی را درانقلاب ایران ایفا کرده‌اند، ولی خواستهای‌آنها هنوز برآورده‌نشده است، فریاد برمیآوردکه:

«من نمیدانم‌دولت‌چراطرحهای متوقف شده خود را که بسود ملت می‌باشد، بکارنمی‌اندازد بایددولت هرچه سریعتر طـرحهای بسود ملت را که متوقف شده وآنها که جدید است، به‌اجرا گذارد، تاوضع‌اقتصادی کشورمان سروسامان یابد.»

«بنیاد مستضعفین بـاید روشن کندکه چه میزان‌کار کـرده است و بنیادمستضعفین صورت اموال منقول وغیر منقول طاغوتیان، خصوصاً شاه ودارودستـه کثیفش در سراسر ایران را به‌روشنی برای مردم بیان دارند وبگویند چه کـرده‌اند؟ اموال شاه خائن را به چه‌کسانی داده‌اند؟ آیا راسـت است کـه بنیاد مستضعفین، بنیاد مستکبرین‌گردیده است؟»

ندای‌اعتراض‌امام، ندای اعتراض میلیونها مردم زحمتکش‌کشور ماست، یادآوری خطر در درون جبهه انقلاب و در مبارزه خطیرآینده است.

یکسال واندی از انقلاب بزرگ ایران میگذرد، ولـی هنوز سایـه شوم هزاران فئودال خـون‌آشام وزمینـداران بزرگ بر روستاهای‌کشور ما باقیست و این‌متحدین امپریالیسم‌جهانخوارآمریکا، با تمام قوای خود به تحریك ، آتش ـ افروزی وخـرابکاری علیه انقلاب‌کشور ما مشغولند. کانونهای داغـدار ومتشنج گنبد، کردستان، بلوچستان، بیش از هر چیز بر اثر تحریـکات فئودالها و عدم تدبیرمقامات مسئول‌به‌دمل‌های چرکینی بدل شده‌اند.

تمامی نیروهای مترقـی وانقلابی، پیش از همه‌آنها وبیش ازهمه‌آنها حزب توده‌ایران، ازهمان دمیدن طلیعه‌پیروزی گفتند وتکرار وتاکیدکردندکه ازجمله عمده‌ترین وظیفه انقلاب ایران ومقامات مسئول انقلاب، برای نابود کردن یکی از پایگاههای عمده امپریالیسم ، برای نجـات اقتصـاد کشـاورزی کشور از وابستگی ونابودی و بـرای جلب بیش از نیمـی از زحمـتکشـان کـشـور به حمایت فعال از انقلاب، طرح اصلاحات ارضی بنیادی را تدوین وعملی‌سازنـد.

حزب توده ایران بسهم خویش با ارائه طرحهای همه جانبه ومدون وپیشنهادها وانتقاد های سازنده دراین زمینه ونیز تحلیل‌دقیق علل بحرانهـای موجود در مناطق‌مذکور وچگونگی‌عملکرد عوامل ضدانقلاب داخلی وامپریالیسم برزمینه نارسائی‌ها وتضادهای موجود ، ضرورت حل‌فوری وصحیح مسأله ارضی را نشان دادوآنرا ازاهم وظایف مسئولین‌دانست. ولی‌متاسفانه تابحال باین‌خواست‌حیاتی، پاسخی درخورد داده نشده است.

دولت «گام بگام» مهندس بازرگان، یك فئودال را بررأس وزارت‌کشاورزی گمارد .

طرح آقای رضا اصفهانی درمورد ـ اصلاحات‌ارضی بنیادی ، هرچند پس از کارشکنی های بورژوازی لیبرال، به ـ تصویب شورای‌انقلاب‌رسید، با این‌وصف هنوز تلاشهای شومی برای متوقف‌کردن آن وغیرمصـوب دانستن آن صـورت میگیرد وکوشش فراوانی بعمل میآیدتا ازاجرای‌آن جلوگیری شود.

درچنین شرایطی است‌که‌امام درپیام سال نو خویش ، دولت را به سبب بکار نیانداختن «**طـرحهای متوقف شده خـود را کـه بسود ملت میباشد**» ، سرزنش میکند وتاکید میکندکه «**باید دولت هرچه سریعتر-طرحهای بسود ملت را که متوقف شده و آنها که جدید است، به‌اجرا گذارد تا وضع اقتصادی‌کشور سروسامان یابد.**»

امام در پیام خود تاکید میکندکه «**دولت مـوظف است اسباب کار و تولید را برای کارگران ودهقانان و زحمتکشان فراهم آورده.**»

امـام همچنین بـر « **تـوزیع » «زمینها»** تاکید میکند .

اما طرحهای متوقف شده دولت، «که بسود ملت میباشد »، تنها به این طرح ختم نمیشود . بسیاری طرحهای دولت ، حتی‌آنها که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیزمذکوراند، بسرنوشت طرح فوق دچارگشته‌اند .

بانکهاکه ظاهراً ملی شده‌اند ، هم ـ چنان عمدتا منطبق برسیاستهای پیشین اداره میشوند ونه درخدمت زحمتکشان، بلکه در خدمت سرمایه داران بـزرگ قرار دارند .

کارخانه‌های ملی شده و میلیاردها و میلیاردها اموال مصادره شده، که تحتـ اداره بنیاد مستضعفین قرار گرفته‌اند ، به‌گفته‌صریح‌امام نه‌درخدمت‌مستضعفین، بلکه درخدمت مستکبرین قراردارند و ازآنها نه درجهت‌کمك به‌تقویت اقتصاد بحران زده کشور مـا و کمك به بهبود زندگی زحمتکشان ، که برای پیروزی این انقلاب ، بزرگترین جانفشانیها را ازخودنشان داده‌اند، بلکه بازهم درجهت منافع مستکبرین، یعنی‌آنهایی‌که‌انقلاب ما ودست بزیرکشیدن آنها را ازاریکه ستمگری‌وچپاولگری هدف‌قرارداده‌بود، بکارگرفته شده‌اند .

با اصل‌مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی ملی‌شدن بازرگانی خارجی ، که درصورت‌عملی‌شدن‌میتواند ضربه سنگینی به سرمایه داری وابسته بزند، به بی‌قانونی وسوداگری‌واسطه‌ها ودلالان خاتمه دهد ودراین وانفسـای سودجویی محتکرین وگرانی‌سرسام‌آور زندگی ، به کاهش هزینه زندگـی کمك کند ، برخوردی جدی ومسئولانه‌صورت نگرفته است وبابهانه‌هایی غیر موجه‌که تنها بسود سرمایه‌داران غارتگر تمـام میشود ، بااین ادعای کهنه که «دولت نمیتواند تاجر خوبی باشد » ، با ایـن تمهید نادرست‌که قانون‌ملی‌کردن(دولتی کردن) بازرگانی‌خارجی راباواگذاری «سهمیه» به‌سرمایـه داران ، خـدشه‌دار میسازد ، به مصالح انقلاب ایـران بی توجهی میشود.

بیکاری دهشتناك زحمتکشان، کـه باخرابکاری سرمایه‌داران بزرگ درامر تولید شدت‌می‌یابد وحمایت‌جدی‌مسئولان را نیز همراه خود ندارد ، بی‌توجهی‌به امر مبارزه جدی با فئودالیسم ودرعمل بازگذاردن دست زمینداران بـزرگ و فئودالها درایجادتحریکات علیه‌دهقانان وبرافروختن آتش درگیـری و جنگ . گرانی روز افزون کـه وضـع معیشتی زحمتکشان را شدیدا به وخامت بـرده است وعدم اتخاذ تدابیر قاطع و جدی علیه‌واسطه‌ها ومحتکرین، بهمراه‌خرابکاری وتوطئه هزارها عامل‌ساواك ودشمن‌غدار انقلاب ، علیه منافع ومصالح‌مردم‌ایران جبهه مبارزه علیه‌امپریالیسم را تضعیف کرده و بخطرانداخته است.

پیشروی‌درجبهه‌مبارزه‌علیه‌امپریالیسم آمریکا ومبارزه برای‌کسب استقلال و قطع وابستگی‌های‌اسارت‌بارجز ازطریق تامین اتحادکلّیه نیروهای خلقی و ضد امپریالیست‌امکان‌نداردوتامین‌این‌اتحاد ضروری نیز جز ازطریق‌ستمگری‌قاطع بسود زحمتکشان وعلیه مالکان بـزرگ‌و سرمایه‌داران وابسته میسر نمیشود.

بحث‌مادرزمینه‌پیام‌امام ادامه دارد.

قطعنامه راه‌پیمائی مردم تهران علیه توطئهٔ امریکا در انتقال شاه مخلوع به مصر

قسمت‌هائی از قطعنامهٔ راهپیمائی ۵ فروردین تهران چنین است :

● ما این‌عمل‌ننگین‌یعنی انتقال‌دادن شاه‌خائن‌را به وسیله امریکا که برای‌فراری دادن وی ازدست انتقام ملت ایران صورت گرفته است، شدیدا محکوم می کنیم.

● ماپذیرش این‌عنصرپلیدرا ازطرف رژیم مصرعملی‌ننگین ... [illegible]

جهانخوار دانسته واطمینان داریم کـه ملت شریف ومسلمان مصر هرگز چون‌گذشته این ننگ را تحمل نخواهد کـرد وچرقه این خیانت‌بزرگ‌که‌رژیم‌سرسپرده سادات، آتش‌خشم مردم مصرراشعله‌ورتر وسادات ورژیمش را به سرنوشت محمد رضا ورژیمش دچار خواهد نمود.

● ما این عمل نفاق‌انگیز کارتر راکه خواست با پناه‌دادن شاه مخلوع درکشور اسلامی مصر ، ملت ایران را رودرروی ملت برادرومسلمان مصر قرار دهد، بشدت تقبیح وانتظار داریم‌که ملت مسلمان مصر علیرغـم نفاق افکنی نفاق افکنان وتفرقـه اندازی مشرکان، اتحاد دانشجوروحانی وفیضیه ودانشگاه راهرچه‌محکمتر ساخته درکنارهمه توده‌های مسلمان پیك‌گونه برسر دشمنان داخلی وخارجی انقلاب فرود خواهیم‌آمد وبا هشیاری‌کامل نسبت به‌ماهیت قضایا وتوطئه‌هـا رشد فکری و رسالت اسلامـی خویش را ایفاء

● حل مساله‌گروگان‌هـا مبتنی به استرداد شاه مخلوع و اموال بیغما برده‌اش بوده و در صورت استنکاف، محاکمه آنان در دادگاه‌های‌انقلاب اسلامی ایران توسط نمایندگان ملت درمجلس شورای اسلامی خواسته ملت غیور ایران می‌باشد.

● ما خرابکاری‌هـا وتوطئه‌ها وبی‌حرمتیهای رژیم مرتجع بعث عراق را درمرزهای ایران محکوم‌نموده، کلیه اقدامات‌خائنانه آن‌ها را به‌حساب امپریالیست‌جهانخوارمیگذاریم وملت مستضعف ومسلمان عراق را به مبارزه بی‌امان بر علیه حکومت دست‌نشانده صدام‌حسین دعوت وازحرکتهای ضدطاغوتی انقلابی مسلمان عراق پشتیبانی میکنیم.

● مـا در کنار دانشجویـان مسلمان پیرو خط امام با الهام‌گیری ازامام امت مبارزه الهی خویش‌را با امپریالیسم ادامه داده با استرداد شاه مخلوع و اموال بغارت رفته از ما، نخواهـ

منتشر شد

هنوزمشی چریکی جدا از توده

(مروری در دیدگاههای سازمان چریك‌های فدائـی خلق وگروه راه‌کارگر)

حیدر مهرگان

محلات فقر

تامین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

آلونک نشین های جیحون:
ما را از این زباله‌دانی نجات دهید!

● ۱۳۳ خانواده زحمتکش این محل فقط به امید رسیدن میوه‌های درخت انقلاب زنده‌اند.

● پدر یك خانواده: ما ۱۵ نفریم و در اتاقی شبیه سوراخ موش زندگی می کنیم.

● سرپناه آن پیرمرد آنقدر کوچك است که نمیتواند پایش راهم دراز کند.

در خیابان جیحون ، کمی دورتر ازخیابان آزادی ، به فاصله ده قدم ، در جوارخانه‌ها و آپارتمان‌های نوساز و مدرن محله‌ای است بنام: رنج وفقر، یکی از حلقه‌های زنجیره بیشمار محلات شاه‌زده . قطره‌ای از باران رحمت آریامهری !

در وسط کوچه‌های تنگ و نفس‌گیر ، جویباری از گل و لای بچشم میخورد . دیوار-های کاهگلی، خانه‌ها، بوی فقر، محرومیت ، گرسنگی و بیماری را میدهد . بوهایی که میراثی است از رژیم گذشته ، که بیادگار به ساکنین این کلبه‌های فقرزده داده شده . اکثریت اهالی از قزوین و غیالوند در نزدیکی قزوین ، به این مکان ، که نمونه‌ای از دروازه تمدن آریامهری است ، کوچ کرده‌اند ، تا شاید از «امکانات» این «تمدن» برخوردارشوند.

پای درددل هر کدامشان که بنشینی ، در وهله اول از یك چیز می‌نالند : کمبود جا و مسکن. این درد عمده ، در حقیقت زخم‌نمك خورده‌ایست که درقلب همه مردم، مزمن شده است . گرانی مایحتاج زندگی و بیکاری هم این زخم را روز بروز عمیقتر و مزمن‌تر میکند. زخمی که مادر آن یك درد مشترك است : فقر و محرومیت .

آنچه این زحمتکشان ایرانی میخواهند ، یك اتاق کوچك برای چند سرعائله ، و آنچه دارند ، اینست : امید . امید به‌انقلاب ونتایج ثمربخش آن.

مردم این مکان خرابه‌نشین را در رژیم گذشته «شاه پناه» نام داده بودند، و چه نام بجایی ، زیرا این پناهندگی ، که در حقیقت یك نوع آوارگی بسبك آریامهری است ،فقط از طرف رژیم منفور گذشته میتوانست به‌آنها عرضه شود .

وارد محل که میشویم ، در نگاه اول‌دچار سردرگمی میگردیم . کوچه‌های باریك وپیچ درپیچ مانع از آن میشوند که مسیر راه را معین کنیم . باکمك یکی از اهالی محل از این سردرگمی بیرون می‌آییم. وی که خسود را محرم علابخش معرفی میکند ، در طی مسیر ، شناسنامه محل رابرایمان ورق میزند :

«دراین محل ، که ۱۳۳ خانوار زندگی می‌کنند، درد عمده نداشتن مسکن وجای مناسب برای زندگیست . من خودم درگیرودار انقلاب بیکار شدم والان بافروختن سیگار خرج‌زندگی زن و بچه‌ام رامیگذرانم . شبها شده که‌بادست خالی پیش زن وبچه‌ام برگشتم و آن موقعی است که از روی خجالت نمیتوانم به صورت آنها نگاه کنم.»

وقتی از وضع بهداشت محل و درمانگاه سئوال میکنیم ، پاسخ میدهد :

«وضع درمانگاه بد نیست . چند روزی‌است که دونفر دکتر به اتاق یك بیمار بهاینجا آمده‌اند و مجانی اهالی این محل را درمان میکنند . البته فقط هفته‌ای سه‌روز می‌آیند و این برای ما کافی نیست ، چون اگر کسی در روز نبودن آنها مبتلا به دردی شود ، دسترسی به هیچ دکتر یادرمانگاه نزدیك نداریم.»

دراین موقع به قلب آلونکها رسیده‌ایم . گویی سالهاست این مردمان «آریامهرزده » در انتظار ما بوده‌اند ، زیرا با اشتیاقی وصف نشدنی ما را به داخل خانه‌های محقرشان‌می‌خوانند ، تابلکه بتوانیم باری ازروی دوششان برداریم و بجای آن فقربنیادبرکن ، شادی هر چند کوچك برجا بگذاریم .

۱۵ نفر در یك چهاردیواری کوچك

وارد یکی ازآلونکها میشویم . مردی ۴۲ ساله، که از یك پا فلج است، از ما استقبال میکند . آلونك دم‌کرده است . همه چیز رنگ گریه فقر را بخود دارد . در گوشه‌دنجی کودکانی کوچك ، معصومانه با چشمان غم ـ فروغشان کنجکاوانه اطراف را نگاه میکنند . شاید بدنبال تکه‌نانی هستند و یا امیدی. به‌پای صحبت پدر می‌نشینیم . میگوید :

«دراینجا ، که بیشتر به لانه موش شبیه است ، پانزده نفر زندگی میکنند . البته اگر بشود اسمش را زندگی گذاشت. باور میکنید نزدیك دوهفته است که لب به‌گوشت نزده‌ایم. البته میدانیم که انقلاب کرده‌ایم ومشکلات زیادی داریم ، ولی فکر میکنم که رسیدگی به‌مشکلات ماآلونك‌نشین‌ها ازهرمشکلی واجب‌تراست.»

وی درحالیکه‌اشاره به پای ناقص خود میکند ، میگوید :

«من بااین پای ناقصم قادر به کار کردن نیستم ، بنابراین زنم مجبور است که با کار کردن در خانه‌های دیگران‌خرج‌۱۵ نفررابدهد، آنهم با این‌گرانی و مشکلات زندگی.»

در این حین ، مردی که ما رابه محل راهنمایی کرده بود، میگوید :

«عده‌ای از طرف کمیته مسکن به اینجا آمدند و برای دادن خانه و مسکن اقداماتی کردند که اتفاقا عده‌ای از این اهالی درهفته گذشته صاحب‌خانه شدند و از اینجا نقل‌مکان کردند . ولی ما میخواهیم که تکلیف بقیه‌اهالی را هم یکسره روشن کنند و ما را از این زباله‌دانی نجات دهند.»

از آلونك خارج میشویم . عده‌زیادی از اهالی محل بانگاههای پرسشگرانه دور ما حلقه مزنند . در عمق چهره‌شان نشانه‌ای از امید دیده میشوند. همه این سئوال را دارند:

«ازطرف سازمان مسکن آمده‌اید که به ما خانه بدهید؟»

و وقتی با جواب منفی ماروبرو میشوند، یاس در چهره‌شان چین میاندازد. به قفسی‌دیگر قدم میگذاریم. آلونك کوچکی است بامقداری خرت و پرت بنام اثاثیه. در گوشه اتاق چراغ علاءالدین کوچکی روشن است که بوی نفت آن به اضافه بوی غذایی که در فضای اتاق پیچیده ، هوای اندك اتاق رابیرون رانده . زن جوانی که ما را به آلونك خود فراخوانده‌بود ، دعوت به نشستنمان‌میکند. اسمش سکینه‌خمسی است . در زندگی و حرفهایش همانند دیگران درد و محرومیت میجوشد . میگوید :

«شوهرم شبگرد خیابان است . خودم هم با رختشوئی در خانه‌ها چرخ زندگیمان را می‌چرخانیم. برای این اتاق تنگ ونفس‌گیر ماهی ۵۰۰ تومان اجاره میدهیم ، تازه صاحبخانه‌حق استفاده از توالت را هم به‌ما نمیدهد و میگوید که چاه پر میشود. ما هم مجبوریم بخاطر رفتن به‌توالت ، دوکوچه آنطرفتر برویم ، آنهم در این هوای سرد، می‌بینید که ما حتی ازداشتن توالت هم محرومیم.»

در این حین ، پیرزنی با صورتی چروکیده و دستانی لرزان وارد اتاقك میشود و ازما می‌خواهد که کلبه محقر او را هم ببینیم . بدنبالش میرویم، بعدازگذشتن‌ازپله‌های تنگ وباریکی، وارد خرابه‌ای می‌شویم به اسم اتاق ، سقفش از چوبهای پوسیده‌کنار هم درست مثل‌ابریست که هرآن‌امکان‌باریدنش‌میرود،وازسوراخ دایره مانندی که در وسط سقف نمایان است ،آسمان پیداست . با زیلوی‌پاره‌زنده و پاره‌می‌کوشد چهره فقر را آرایش کند . در گوشه اتاق یك دست رختخواب ژنده‌ویك چراغ نفتی زنگ‌زده‌باضافه مقداری خرت وپرت بعنوان وسایل خانه‌عرض‌اندام میکند . پیرزن میگوید :

«اینهم زندگی من. سی وپنج سال است که در اینجا زندگی میکنم . هیچی ندارم ، بغیر از یك مشت خاطره تلخ که همه را از اینجا بیادگاردارم.»

به چهره‌اش نگاه میکنیم. خطوط پیشانیش و عمق چشمان بی‌فروغش خود گواه این حرفهاست . می‌پرسیم چه‌کسی خرج زندگیت را میدهد ؟ جواب میدهد :

«کدام زندگی ؟ اینکه اسمش زندگی نیست .»

بعد از کمی مکث ادامه میدهد :

«بخدا قسم اگر فکری بحال ما بکنید ، انگار که به‌مکه و کربلا رفته‌اید.»

«هرآن منتظر دهان بازکردن زمین هستیم»

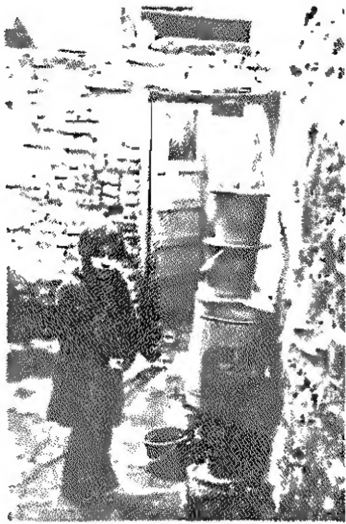
به کندوکاو در محله ادامه میدهیم ، در گوشه‌ای از محل ، بشکه آب زنگ‌زده‌ای بچشم میخورد که اهالی این محل باسطل‌هایی که از فشاری سرکوچه پر میکنند ، آب‌بدرون بشکه میریزند، تابچه‌هایشان مجبور نشوند که دراین سرما برای خوردن آب به خیابان بروند. در این حین ، زنی که بچه‌ای در بغل‌دارد ، جلو می‌آید و میگوید :

«ازبس سطل سطل آب آورده و درون این بشکه ریخته‌ام ، پاهایم از شدت درد قدرت راه رفتن ندارد.»

می‌پرسیم چرا تا بحال تقاضای آب لوله کشی نکرده‌اید ؟ جواب میدهد :

«برای اینکه این محل پر از چاه است. زیر هر اتاقی حداقل یك یا دوچاه است. همین جا که الان ایستاده‌ایم ، شش چاه وجود دارد. در اتاق‌خود ما دو چاه وجود دارد، که هرآن منتظر دهان بازکردن زمین هستیم.»

در این هنگام مرد جوانی به نزدیك ما می‌آید . وی که نامش علی غیالوندی است ، ما رابه اتاقی راهنمایی میکند، که قبلا در آنجا زندگی میکرده . وقتی که به‌آن محل می‌رسیم، اتاقی را می‌بینیم‌که کفش باندازه‌گودال نسبتا بزرگی دهان باز کرده است . ازتوضیح میدهد :



این منبع آب زنگ‌زده «مرکز تهیه‌آب آشامیدنی!» برای بچه‌های محله است

«ما قبلا دراینجا زندگی میکردیم، ولی وقتی که براثر ریزش چاه ، کف زمین فرورفت، مجبور شدیم که به اتاق دیگری، یابهتربگویم، به قفس دیگری نقل مکان‌کنیم والان برای‌همان قفس ماهی ۵۰۰ تومان اجاره میدهیم . فکرش را بکنید ، من با زن وبچه‌ام ، باروزی ۹۰ تومان حقوق، چطور می‌توانیم ازپس این‌زندگی با این هزینه کمرشکن بربیایم ؟ باور میکنید که بچه‌هایم هفته‌هاست که لب به گوشت نزده‌اند؟ یکی هم‌پیدانشود وبدرد دل ما برسد. هرچی باشد ماهم حق زندگی کردن داریم . این زندگی نیست که ما میکنیم ، بلکه یك نوع مرگ تدریجی است.»

سکوت میکند و به حفره کف‌زمین خیره میشود . در چشمهایش اشك حلقه زده‌است . بار دیگر به‌گودال کف اتاق نگاه میکنیم .گودال در چهره تاریك اتاق قبری خالی میماند که هر آن منتظر بلعیدن زحمتکشان میهن‌ماست .

کوچکترین اتاق محله

چهره گریه فقر و بدبختی ، بدست‌امپریالیسم وسرمایه‌داران وابسته‌اش، دراین محله با دقت تمام نقاشی‌شده است . این رنگ‌آمیزی شوم امپریالیسم در سیمای این پسرك دوازده ساله ، که روبروی ما ایستاده ، بابی‌رحمی هر چه تمامتر خود را نشان میدهد . اسمش محمد غیالوندی است. از وضع زندگی وخانواده‌اش چنین میگوید :

«کلاس دوم راهنمایی هستم . بخاطرشغلم مجبورم شبانه به مدرسه بروم. در یك مغازه کفاشی با ماهی دویست تومان کار میکنم .پدرم فعلا بیکار است.»

درحالیکه دستهایش را از زور سرما به زیر کتش میبرد، ادامه میدهد :

«اتاق ما آنقدر کوچك است که‌مجبوریم تنگ هم بخوابیم . این وضع درزمستان، که هوا سرد است ، خوب است ، ولی‌در تابستان واقعا کشنده است . همسایه بغلی ما یك‌پیرمرد است که اگر اتاقش را ببینید ، گریه‌تان می‌گیرد . بیچاره آنقدر اتاقش کوچك است که موقع خواب نمیتواند پاهایش را دراز کند . توی این محله این اتاق از همه کوچکتراست.»

تبسم تلخی به‌پیشوازمان آمده است .زن جوانی است:

«فایده این کارها چیست ؟ بجای نوشتن و عکس گرفتن به درد ما برسید. تا کی باید صبر کنیم ؟ می‌ترسیم تو و تیجه‌هایمان هم زندگی مارا به‌ارث ببرند وتاآن موقع هیچکس بسراغمان نیاید. آخر ماهم آدمیم نه‌آشغال توی زباله‌دانی.»

پسرك درحالیکه دستهایش را بهم‌میمالد، میگوید :

وای ، چقدر سرده!

زن با تبسمی تلخ آپارتمانهای آنطرف خیابان را نشان میدهد و میگوید :

«اگر توی آپارتمان بودی ، سردت‌نمیشد!»

با گوله باری از درد محله را ترك می‌کنیم. در بین راه پسرك کوچکی را می‌بینیم که با جثه کوچك خود دوسطل پر از آب بطرف‌بشکه زنگ‌زده حمل میکند . او در انتظار میوه‌انقلاب است . مگرنه‌اینکه امام گفت : این انقلاب‌از آن کوخ‌نشین‌هاست !



بیکاری ، آلونك‌هایی که هرآن ممکن است فرو بریزد، نداشتن آب ، برق ، پزشك ، حمام ... سهم مردم این محل از «تمدن بزرگ» است

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

سیستم دستمزدها را در کارخانه ذوب آهن اصفهان دگرگون سازید

مسئله دستمزدها همواره یکی ازمشکلات عمده کارگران ذوب آهن اصفهان بوده است. کارگران این کارخانه همیشه از پائین بودن دستمزد و تفاوت شدید دستمزدها دراین کارخانه رنج برده‌اند و یکی از خواستهای آنان تغییر سیستم دستمزدها بوده است. لکن بعلت فشار رژیم پلیسی شاه مخلوع قادر به بیان خواستهای بحق خود نبودند و اعتراضات گاه بگاه آنان در این زمینه بشدت سرکوب می‌شد.

پس از انقلاب شکوهمند ایران کارگران ذوب آهن امکان یافتند که خواستهای بحق خود را در زمینه بالا بردن دستمزد و از بین بردن تفاوت شدید دستمزدها در این کارخانه مطرح کنند و خواستار دگرگونی سیستم دستمزدها گردند.

در حال حاضر دگرگون کردن سیستم قدیم دستمزدها و جایگزین کردن یک سیستم نوین مبتنی بر حفظ حقوق کارگران در رأس خواستهای کارکنان این کارخانه است.

برای اینکه حقانیت این خواست روشن شود، لازم است که سیستم دستمزدها را در این کارخانه تشریح کنیم و علل غیرعادلانه بودن آن را روشن سازیم و ضمن از این طریق میتوانیم مبانی سیستم جدید دستمزدها را که بایستی جایگزین قبلی گردد پیدا کنیم. این نیز باید گفته شود که ممکن است توضیح سیستم فعلی دستمزد پیچیده بنظر آید، لکن باید دانست که این عیب از خود آن سیستم است و رژیم ضدخلقی طاغوت در این موارد عمداً روشهای پیچیده‌ای را انتخاب می‌کرد تا بتواند از عدم توانائی کارگران در درک آن‌ها استفاده کند و به نیات پلید خویش در مورد ظلم بیشتر به کارگران و زحمتکشان دست یابد.

برای تشریح سیستم دستمزدها در کارخانه ذوب آهن اصفهان، ابتدا بایستی به این مسئله توجه کرد که کارکنان این کارخانه بطور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند و هر دسته تابع قوانین جداگانه‌ای از نظر دستمزد و قوانین استخدامی هستند. این دو دسته عبارتند از:

۱ـ کارکنانی که مطابق آئین نامه استخدامی شرکت ملی ذوب آهن ایران در استخدام شرکت‌اند و تعداد آنها در حدود ۱۷/۰۰۰ نفر است.

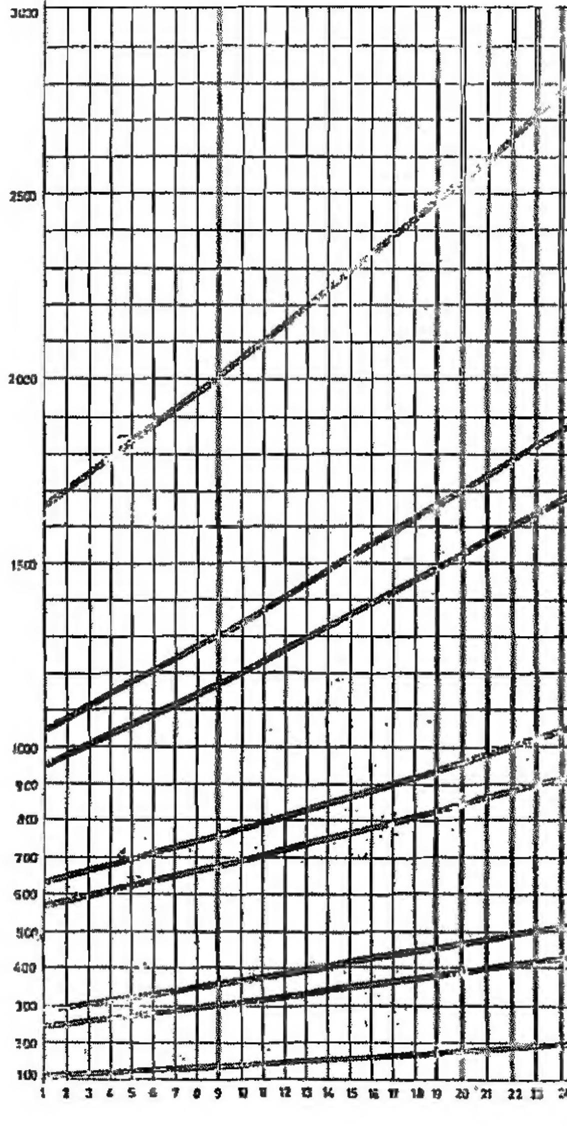
۲ـ کارکنانی که بطور روزمزد در استخدام ذوب آهن هستند و تعداد آنها در حدود ۲۰/۰۰۰ نفر است.

کلیه کارکنان بخش بهره برداری کارخانه و قسمتی از کارکنان بخش ساختمانی جزء دسته اول هستند و بقیه، که اکثریت قریب به اتفاق آنان را کارگران ساختمانی تشکیل می‌دهند، در دسته دوم قرار میگیرند.

اصولاً وضع کارکنان استخدامی شرکت، که مشمول طرح مستمر هستند، از نظر قوانین استخدامی بهتر از کارکنان روزمزد است و از امتیازات بیشتری برخوردارند و بهمین جهت خواست تمام کارگران روزمزد آنست که به استخدام دائم شرکت درآیند.

ما در این مقاله فقط به تشریح سیستم دستمزد کارکنان مشمول طرح مستمر اکتفا می کنیم و تحلیل سیستم دستمزد کارکنان روزمزد را به مقاله دیگری واگذار می کنیم.

نمودار دستمزدها در گروه های مختلف براساس جدول دستمزدها در شرکت ملی ذوب آهن ایران



دستمزد کارکنان مشمول طرح مستمر براساس جدول دستمزدها، که در زیر آمده است، تعیین می‌شود. این جدول که در رژیم ضدخلقی پیشین تنظیم شده، براساس ضوابط غیر انسانی جامعه طبقاتی است.

براساس این جدول کارکنان به ۲۰ گروه تقسیم میشوند. گروه نشانه تحصیلات، تخصص و شغل است. البته تخصص براساس ضوابط طاغوت، نه بر اساس ارزش و اهمیت کاری که ارائه می‌شود. در هر گروه ۳۰ پایه در نظر گرفته شده است، که عمدتاً نشانه سابقه کار است. هر گروه در هر پایه‌ای دارای یك رقم است، که مبنای دستمزد است. این رقم در ضریب بخصوصی که در زمانهای مختلف تغییر می کند، ضرب مـی‌شود و دستمزد ثابت را تشکیل می‌دهد. این ضریب در حال حاضر ۸۰ است. پس با توجه به جدول، پائین‌ترین دستمزد ثابت ۸٫۰۰۰ و بالاترین دستمزد ثابت ۲۴۰٫۰۰۰ ریال است. به این دستمزد ثابت در اصفهان ۶۹ درصد به عنوان مزایا، شامل خارج از مرکز، بازنشستگی و پس‌اندازی که ذوب آهن میدهد، اضافه می‌شود و ۳۲ درصد از آن به عنوان کسور، شامل بازنشستگی و پس‌اندازی که کارگر می‌دهد، کسر می‌شود و بطور خلاصه ۳۷ درصد به حقوق ثابت اضافه میشود. ازینرو با در نظر گرفتن اضافات، پائین‌ترین دستمز در اصفهان ۱۰/۹۶۰/ و بالاترین دستمزد ۳۲۰/۸۰ ریال می‌شود. در این ارقام مالیات منظور نشده است.

حال به تجزیه و تحلیل این جدول می‌پردازیم. در این جدول همواره سعی‌شده است که اختلاف درآمدها تشدید شوند. اولا کارکنان از نظر میزان دستمزد به ۲۰ گروه تقسیم شده‌اند.

این تعداد تقسیم غیر عادی وزیاد است و یکی از علل اصلی تفاوت شدید دستمزدهاست.

این تعداد گروه حتی در مقایسه با سایر مؤسسات دولتی ـ که خود آنها نیز بر اساس ضوابط طاغوتی هستند ـ نیز غیرعادی است. ثانیاً بالا رفتن دستمزدها به ازاء بالارفتن گروه‌ها در گروه‌های مختلف یك نواخت نیست و بصورت یك نوع تصاعد است. برای مثال در اثر ارتقاء از گروه اول به دوم، بطورمتوسط در حدود ۳۲ واحد بر مبنای دستمزد اضافه می‌شود، حال آنکه در اثر ارتقاء گروه هیجدهم به نوزدهم، بیش از ۲۴۸ واحد به مبنای دستمزد بطور متوسط اضافه می‌شود.

ثالثا بالارفتن دستمزدها به ازاء بالارفتن پایه‌ها در گروه‌های مختلف تفاوت میکند. مثلا در گروه اول بازاء ارتقاء هرپایه بطورمتوسط ۴ واحد به مبنای دستمزد اضافه میشود، حال آنکه در گروه نوزدهم بازاء ارتقاء هرپایه بطورمتوسط ۴۴ واحدبه مبنای دستمزد اضافه میشود. در نتیجه موارد فوق باعث شده است که بالاترین دستمزد درجدول ۳۰ برابر پائین‌ترین دستمزد گردد. این مسائل در نمودار دستمزدها نشان داده شده است.

موضوعی که قابل توجه است، اینست که درگذشته با امتیازاتی دیگر، که برای گروه های بالاتر درنظر گرفته شده بود، ازقبیل فوق العاده شغل، فوق العاده محرمانه، پاداش، حق‌مسکن (که ده درصد دستمزد بود و از اینرو درمورد کارکنان با دستمزد بالاتر بیشتر میشد) وغیره، این تفاوت باز هم فاحش‌تر می‌گردید. لکن پس از انقلاب، در اثر مبارزه زحمتکشان ذوب آهن، این نوع امتیازات ازبین‌رفت وحق‌مسکن به‌میزان ثابتی برای تمام کارکنان بدون‌توجه به دستمزد آنان تعیین گردید.

باتوجه به جدول دستمزدها کارکنان مجتمع صنعتی ذوب آهن اصفهان را می‌توان به‌چهار دسته تقسیم کرد:

دسته اول ـ کارکنان گروه‌های یك تا پنج، که‌متوسط دریافتی آنان در حدود ۲۵٫۰۰۰ ریال است.

دسته دوم ـ کارکنان گروه های شش تا یازده که متوسط دریافتی آنان‌درحدود ۵۸٫۵۰۰ ریال است.

دسته سوم ـ کارکنان گروه های دوازده تاشانزده، که متوسط دریافتی آنان‌درحدود ۱۰۰٫۰۰۰ ریال است.

دسته چهارم ـ کارکنان گروه های هفده تا بیست، که متوسط دریافتی آنان در حدود ۱۶۰٫۰۰۰ ریال است.

جدول شرایط احراز گروه‌ها نشان میدهد که کارگران و کارمندان جزء در دسته اول و کسانی که تحصیلاتی درحدود دیپلم دارند (مانند تکنیسین ها و کارمندان متوسط) عموما در دسته دوم و کسانی که تحصیلاتی درحدود لیسانس دارند (مانند مهندسین و کارمندان بالارتبه) در دسته سوم قرارمیگیرند.

مدیران ومهندسین ارشد در دسته‌چهارم قرارمی‌گیرند. (ارشد درگروه ۱۶، یعنی بالاترین گروه دسته سوم نیز قرارمیگیرند.)

ارقام ذکرشده درفوق تفاوت فاحش بین دستمزدهای کارکنان را دراین چهاردسته نشان میدهد. این بی‌عدالتی و عدم مساوات زمانی آشکارتر میشود که بدانیم حدود ۸۰ درصد کارکنان ذوب آهن اصفهان در دسته اول، حدود ۱۸ درصد دردسته دوم، حدود ۲ درصد دردسته سوم ودرحدود ناچیزی در دسته چهارم قراردادند. با توجه باینکه میتوان دستمزد دسته دوم را دستمزد متوسط وقابل قبول دانست، این نتیجه تکان دهنده حاصل‌می‌شود که، ۸۰ درصد کارکنان این کارخانه با توجه به هزینه زندگی کمتر ازحد نصاب دستمزد دریافت میکنند.

نتیجه می گیریم که عیب‌عمده سیستم دستمزدها در کارخانه ذوب آهن اصفهان، پائین بودن دستمزد اکثریت کارکنان این کارخانه است که دردسته اول قرار دارند، وهمچنین تفاوت شدید بین دستمزد کارکنان در دسته‌های فوق‌الذکر است.

راه حل ازبین بردن این عیب غیرانسانی وغیرعادلانه این است که جدول دستمزدها دگرگون شود، تقسیم کارکنان به بیست گروه ازبین برود وکارکنان به چهار گروه اصلی یاچیزی درآن‌حدود تقسیم شوند وتفاوت دستمزدها در این گروه‌ها کم شود، ضمن اینکه دستمزد در گروههای پائین‌تر بالا برود.

پس ازانقلاب، براثرمبارزه زحمتکشان کارخانه ذوب آهن، اقداماتی در مورد دستمزدهای کارکنان مشمول طرح مستمر انجام گرفت. اقداماتی از قبیل ارتقاء گروه، اضافه‌کردن پایه، تقلیل مالیات، درنظر گرفتن فوق‌العاده مخصوص برای گروههای ۱ تا ۷ و غیره. لکن جدول غیرعادلانه دستمزدها به قوت خویش باقی ماند. این اقدامات مؤثر نیست و نمی‌تواند جوابگوی نیازهای کارکنان زحمتکش کارخانه ذوب آهن باشد، زیرا بحث بر سر اینستکه سیستم فعلی دستمزدها، که جدول دستمزدها نماینده آنست، از بنیان اشتباه و غیرعادلانه است وتا زمانی‌که باقی است، حقوق حقه کارگران پایمال شده است. این سیستم باید تغییر کند وسیستم نوینی جایگزین آن شود که بر کم کردن تفاوت دستمزدها ضمن بالابردن دستمزد اکثریت محروم کارکنان، مبتنی باشد.

جدول دستمزدهای کارکنان طرح مستمر شرکت ملی ذوب آهن ایران

پایه ←

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۱	۱۰۰	۱۰۳	۱۰۶	۱۰۹	۱۱۲	۱۱۵	۱۱۸	۱۲۱	۱۲۴	۱۲۸	۱۳۲	۱۳۶	۱۴۰	۱۴۴	۱۴۸	۱۵۲	۱۵۶	۱۶۰	۱۶۴	۱۶۹	۱۷۴	۱۷۹	۱۸۴	۱۸۹	۱۹۴	۱۹۹	۲۰۴	۲۰۹	۲۱۴	۲۲۰
۲	۱۲۸	۱۳۲	۱۳۶	۱۴۰	۱۴۴	۱۴۹	۱۵۳	۱۵۶	۱۶۰	۱۶۵	۱۷۰	۱۷۵	۱۸۰	۱۸۵	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰	۲۰۵	۲۱۰	۲۱۶	۲۲۲	۲۲۸	۲۳۴	۲۴۰	۲۴۶	۲۵۲	۲۵۸	۲۶۴	۲۷۰	۲۷۷
۳	۱۶۰	۱۶۵	۱۷۰	۱۷۵	۱۸۰	۱۸۵	۱۹۰	۱۹۵	۲۰۰	۲۰۶	۲۱۲	۲۱۸	۲۲۴	۲۳۰	۲۳۶	۲۴۲	۲۴۹	۲۵۴	۲۶۰	۲۶۷	۲۷۴	۲۸۱	۲۸۸	۲۹۵	۳۰۲	۳۰۹	۳۱۶	۳۲۳	۳۳۰	۳۳۸
۴	۱۹۶	۲۰۲	۲۰۸	۲۱۴	۲۲۰	۲۲۶	۲۳۲	۲۳۸	۲۴۴	۲۵۱	۲۵۸	۲۶۵	۲۷۲	۲۷۹	۲۸۶	۲۹۳	۳۰۰	۳۰۷	۳۱۴	۳۲۲	۳۳۰	۳۳۸	۳۴۶	۳۵۴	۳۶۲	۳۷۰	۳۷۸	۳۸۶	۳۹۴	۴۰۲
۵	۲۳۶	۲۴۳	۲۵۰	۲۵۷	۲۶۴	۲۷۱	۲۷۸	۲۸۵	۲۹۲	۳۰۰	۳۰۸	۳۱۶	۳۲۴	۳۳۲	۳۴۰	۳۴۸	۳۵۶	۳۶۴	۳۷۲	۳۸۱	۳۹۰	۳۹۹	۴۰۸	۴۱۷	۴۲۶	۴۳۵	۴۴۴	۴۵۳	۴۶۲	۴۷۲
۶	۲۸۰	۲۸۹	۲۹۸	۳۰۷	۳۱۶	۳۲۵	۳۳۴	۳۴۳	۳۵۲	۳۶۲	۳۷۲	۳۸۲	۳۹۲	۴۰۲	۴۱۲	۴۲۲	۴۳۲	۴۴۲	۴۵۲	۴۶۳	۴۷۴	۴۸۵	۴۹۶	۵۰۷	۵۱۸	۵۲۹	۵۴۰	۵۵۱	۵۶۲	۵۷۶
۷	۳۲۸	۳۳۸	۳۴۸	۳۵۸	۳۶۸	۳۷۸	۳۸۸	۳۹۸	۴۰۸	۴۱۹	۴۳۰	۴۴۱	۴۵۲	۴۶۳	۴۷۴	۴۸۵	۴۹۶	۵۰۷	۵۱۸	۵۳۰	۵۴۲	۵۵۴	۵۶۶	۵۷۸	۵۹۰	۶۰۲	۶۱۴	۶۲۶	۶۳۸	۶۵۲
۸	۳۸۰	۳۹۱	۴۰۲	۴۱۳	۴۲۴	۴۳۵	۴۴۶	۴۵۷	۴۶۸	۴۸۰	۴۹۲	۵۰۴	۵۱۶	۵۲۸	۵۴۰	۵۵۲	۵۶۴	۵۷۶	۵۸۸	۶۰۱	۶۱۴	۶۲۷	۶۴۰	۶۵۳	۶۶۶	۶۷۹	۶۹۲	۷۰۵	۷۱۸	۷۳۲
۹	۴۳۶	۴۴۸	۴۶۰	۴۷۲	۴۸۴	۴۹۶	۵۰۸	۵۲۰	۵۳۲	۵۴۵	۵۵۸	۵۷۱	۵۸۴	۵۹۷	۶۱۰	۶۲۳	۶۳۶	۶۴۹	۶۶۲	۶۷۶	۶۹۰	۷۰۴	۷۱۸	۷۳۲	۷۴۶	۷۶۰	۷۷۴	۷۸۸	۸۰۲	۸۲۲
۱۰	۴۹۶	۵۰۹	۵۲۲	۵۳۵	۵۴۸	۵۶۱	۵۷۴	۵۸۷	۶۰۰	۶۱۴	۶۲۸	۶۴۲	۶۵۶	۶۷۰	۶۸۴	۶۹۸	۷۱۲	۷۲۶	۷۴۰	۷۵۵	۷۷۰	۷۸۵	۸۰۰	۸۱۵	۸۳۰	۸۴۵	۸۶۰	۸۷۵	۸۹۰	۹۱۲
۱۱	۵۶۰	۵۷۴	۵۸۸	۶۰۲	۶۱۶	۶۳۰	۶۴۴	۶۵۸	۶۷۰	۶۸۷	۷۰۲	۷۱۷	۷۳۲	۷۴۷	۷۶۲	۷۷۷	۷۹۲	۸۰۸	۸۲۳	۸۳۸	۸۵۴	۸۷۰	۸۸۶	۹۰۲	۹۱۸	۹۳۴	۹۵۰	۹۶۶	۹۸۲	۱۰۰۲
۱۲	۶۲۸	۶۴۴	۶۶۰	۶۷۶	۶۹۲	۷۰۸	۷۲۴	۷۴۰	۷۵۶	۷۷۲	۷۹۲	۸۱۰	۸۲۸	۸۴۶	۸۶۴	۸۸۲	۹۰۰	۹۱۸	۹۳۶	۹۵۶	۹۷۶	۹۹۶	۱۰۱۶	۱۰۳۶	۱۰۵۶	۱۰۷۶	۱۰۹۶	۱۱۱۶	۱۱۳۶	۱۱۶۳
۱۳	۷۰۰	۷۱۸	۷۳۶	۷۵۴	۷۷۲	۷۹۰	۸۰۸	۸۲۶	۸۴۴	۸۶۴	۸۸۴	۹۰۴	۹۲۴	۹۴۴	۹۶۴	۹۸۴	۱۰۰۴	۱۰۲۴	۱۰۴۴	۱۰۶۶	۱۰۸۸	۱۱۱۰	۱۱۳۲	۱۱۵۴	۱۱۷۶	۱۱۹۸	۱۲۲۰	۱۲۴۲	۱۲۷۰	۱۲۹۸
۱۴	۷۷۶	۷۹۶	۸۱۶	۸۳۶	۸۵۶	۸۷۶	۸۹۶	۹۱۶	۹۳۶	۹۵۸	۹۸۰	۱۰۰۲	۱۰۲۴	۱۰۴۶	۱۰۶۸	۱۰۹۰	۱۱۱۲	۱۱۳۴	۱۱۵۶	۱۱۸۰	۱۲۰۴	۱۲۲۸	۱۲۵۲	۱۲۷۶	۱۳۰۰	۱۳۲۴	۱۳۴۸	۱۳۷۲	۱۳۹۶	۱۴۲۲
۱۵	۸۵۲	۸۸۰	۹۰۴	۹۲۸	۹۵۲	۹۷۶	۱۰۰۰	۱۰۲۴	۱۰۴۸	۱۰۷۶	۱۱۰۴	۱۱۳۲	۱۱۶۰	۱۱۸۸	۱۲۱۶	۱۲۴۴	۱۲۷۲	۱۳۰۰	۱۳۲۸	۱۳۶۰	۱۳۹۲	۱۴۲۴	۱۴۵۶	۱۴۸۸	۱۵۲۰	۱۵۵۲	۱۵۸۴	۱۶۱۶	۱۶۴۸	۱۶۹۲
۱۶	۹۴۰	۹۶۸	۹۹۶	۱۰۲۴	۱۰۵۲	۱۰۸۰	۱۱۰۸	۱۱۳۶	۱۱۶۴	۱۱۹۶	۱۲۲۸	۱۲۶۰	۱۲۹۲	۱۳۲۴	۱۳۵۶	۱۳۸۸	۱۴۲۰	۱۴۵۲	۱۴۸۴	۱۵۲۰	۱۵۵۶	۱۵۹۲	۱۶۲۸	۱۶۶۴	۱۷۰۰	۱۷۳۶	۱۷۷۲	۱۸۰۸	۱۸۴۴	۱۸۹۲
۱۷	۱۰۴۰	۱۰۷۲	۱۱۰۴	۱۱۳۶	۱۱۶۸	۱۲۰۰	۱۲۳۲	۱۲۶۴	۱۲۹۶	۱۳۳۲	۱۳۶۸	۱۴۰۴	۱۴۴۰	۱۴۷۶	۱۵۱۲	۱۵۴۸	۱۵۸۴	۱۶۲۰	۱۶۵۶	۱۶۹۶	۱۷۳۶	۱۷۷۶	۱۸۱۶	۱۸۵۶	۱۸۹۶	۱۹۳۶	۱۹۷۶	۲۰۱۶	۲۰۵۶	۲۱۰۸
۱۸	۱۱۷۰	۱۲۰۶	۱۲۴۲	۱۲۷۸	۱۳۱۴	۱۳۵۰	۱۳۸۶	۱۴۲۲	۱۴۵۸	۱۴۹۸	۱۵۳۸	۱۵۷۸	۱۶۱۸	۱۶۵۸	۱۶۹۸	۱۷۳۸	۱۷۷۸	۱۸۱۸	۱۸۵۸	۱۹۰۲	۱۹۴۶	۱۹۹۰	۲۰۳۴	۲۰۷۸	۲۱۲۲	۲۱۶۶	۲۲۱۰	۲۲۵۴	۲۲۹۸	۲۳۵۴
۱۹	۱۳۴۰	۱۴۰۰	۱۴۴۰	۱۴۸۰	۱۵۲۰	۱۵۶۰	۱۶۰۰	۱۶۴۰	۱۶۸۰	۱۷۲۴	۱۷۶۸	۱۸۱۲	۱۸۵۶	۱۹۰۰	۱۹۴۴	۱۹۸۸	۲۰۳۲	۲۰۷۶	۲۱۲۰	۲۱۶۸	۲۲۱۶	۲۲۶۴	۲۳۱۲	۲۳۶۰	۲۴۰۸	۲۴۵۶	۲۵۰۴	۲۵۵۲	۲۶۰۰	۲۶۶۰
۲۰	۱۶۴۰	۱۶۸۸	۱۷۳۶	۱۷۷۲	۱۸۱۶	۱۸۶۰	۱۹۰۴	۱۹۴۸	۱۹۹۲	۲۰۴۰	۲۰۸۸	۲۱۳۶	۲۱۸۴	۲۲۳۲	۲۲۸۰	۲۳۲۸	۲۳۷۶	۲۴۲۴	۲۴۷۲	۲۵۲۶	۲۵۸۰	۲۶۴۰	۲۷۰۴	۲۷۷۲	۲۸۴۲	۲۹۱۲	۳۰۰۰			

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

قانون اصلاحات ارضی باید هرچه قاطع‌تر و همه‌جانبه‌تر اجرا شود

کمیته‌های دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین درهر ده وبخش مهم‌ترین وسیله اجرای قانون است

میراث شوم رژیم پهلوی اقتصادی است ورشکسته، که ردپای منحوس امپریالیسم درتمام شئون آن دیده میشود. اصلاحات ارضی ضددهقانی تیم‌بند وتواستعماری وتوسعه صنایع تاسالم چند ملیتی مونتاژ آغاز مرحله‌ای نوین درتحکیم بند های وابستگی به اقتصاد امپریالیستی در زمان شاه مخلوع بشمار میرفت. محصول این اقدامات ضد ملی و ضد مردمی رشد و پیدایش یك سلسله دشواریها ومعضلاتی بود، که ازهرسوطبقات واقشار زحمتکش رامحاصره کرده بود.

بخاطر رهایی‌ازقید بندگی امپریالیسم اثرات سلطه رژیم منفور پهلوی بودکه انقلاب شکوهمند ایران مستقیماً علیه دشمن اصلی خود، یعنی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، وپیامدهای ناشی ازسلطه آن نشانه رفت و بهمین علت است‌که هم‌اکنون درزمینه اقتصاد ایران، قطع نهایی وابستگی و شکوفایی یك اقتصاد ملی سالم ازمهمترین مسائل مرحله کنونی انقلاب بشمار میرود. این امر باتضمین منافع زحمتکشان شهر و روستا، یعنی همان اقشار وطبقاتی که سالها شلاق وابستگی اقتصادی و شیوه‌های استعمارگرانه سیطره سرمایه‌داران‌وابسته وزمینداران‌بزرگ رابرگرده خود حس میکردند، ملازمه دارد وعنصر پراهمیتی در مرحله سازندگی جامعه نوین محسوب میشود.

یکی از بدیهی‌ترین شرایط ایجاد و ساختمان اقتصاد نوین، که شایسته انقلاب بزرگ ما باشد، تحول بنیادی درجهت طرد کامل شیوه بهره‌کشی بزرگ مالکی درروستاها است، که محصول‌رژیم منحوس پهلوی ویکی ازوسایل رخنه و نفوذ سرمایه خارجی دراقتصاد ملی ایران بود:

ـ هیچ روستائی رانمیتوان یافت که باحفظ شکل مالکیت منسوخ و روابط غارتگرانه گذشته وشیوه بهره‌کشی بزرگ مالکانه، بتواندجوابگوی ساکنین خود واقتصادآشفته ایران باشد.

ـ هیچ روستائی رانمی‌توان یافت که بتواند تحت شرایط گذشته و زیر ستم بزرگ مالکان به‌کار کشاورزی بنحوی پرثمر وکفایی‌بخش ادامه دهد وتولیدات لازم زراعی ودامی را بدست آورد.

ـ هیچ فرد صادق به‌انقلاب رانمیتوان یافت‌که باتمام‌احساس وامیدش، چشم به‌تحولات بنیادی نه‌فقط درصنعت، بلکه درکشاورزی نیز ندوخته باشد و قلبش برای شکوفایی یك اقتصاد سالم بدون حضور امپریالیستها وازجمله یك‌اقتصاد کشاورزی مستقل و سالم و متکی بخود نتپد.

ـ هیچ فرد انقلابی رانمیتوان یافت‌که بتواند تعلل ومسامحه کاری درامراحیای کشاورزی وعدم قاطعیت در اجرای قانون اصلاحات‌ارضی‌دمکراتیك بنفع‌روستاییان تهیدست راتحمل کند وتردید وتعویق در اجرای فوری وهمه‌جانبه قانون مصوبه شورای انقلاب رامجاز شمرد.

براین اساس، روستاییان که سالها جور وستم زمینداران بزرگ وفئودالها راتحمل کرده‌اند، بعدازانقلاب باتامه‌ها، شکواییه‌ها وتظاهرات وکشت زمینها و دفاع ازحق وازکار خود، خواهان اجرای اصلاحات ارضی بنیادی شده‌اند.

نمونه‌های زیر شواهد گویائی است ازضرورت غیرقابل انکار الغای بزرگ مالکی واجرای قانون، یعنی واگذاری زمین به دهقانان زحمتکش بی زمین و کم زمین:

• بیش از ۴۰ نفر ازروستاییان درگز طی نامه خودبدفتر «نامه مردم»، توطئه آمریکا ـ «شیطان بزرگ» ـ ووابستگان آن‌را ـ سرمایه‌داران وزمینداران بزرگ، فئودالها و چپنماها ـ محکوم کرده‌اند و می‌نویسند:

«ماردم ایران بخصوص دهقانان روستای درگز آگاهتر ازآنیم که فریب اینگونه‌نیرنگهارابخوریم. یکی‌ازمهمترین پایگاههای امپریالیسم، فئودالیسم و زمینداران بزرگ هستند که بیشرمانه برای بازگرداندن وحفظ منافع خود و ادامه ظلم وستم واستثماردهقانان‌زحمتکش حتی شورای کشاورزی هم‌تشکیل‌داده‌اند. این فئودالها بازدوبند باپاسگاه محل و باضرب وشتم دهقانان سعی در ناراضی نگاه داشتن مادهقانان از این انقلاب دارند.

بدین جهت برای سرکوبی هر نوع دسیسه‌ای ازجانب فئودالها و کمك به پیروزی انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی، ماامضاءکنندگان این نامه ازطرح انقلابی استاد رضا اصفهانی‌درمورد تقسیم عادلانه زمین بین دهقانان بی‌زمین صریحاً پشتیبانی خودرا اعلام نموده و هرگونه دسیسه‌ای راعلیه این‌طرح‌انقلابی واستاد رضا اصفهانی ازطرف‌سرمایه‌داران وفئودالها شدیداً محکوم می‌کنیم.»

• روستاییان چاه سرخ درشکایت‌نامه خود به معاون وزیر کشاورزی، آقای رضا اصفهانی، می‌نویسند:

«محترما مزرعه بنام چاه سرخ واقع درقریه داراکوبه فسا، به مساحت بیش‌از هزار هکتار، که ازسالها قبل اهالی روستای داراکوبه فسا باجمع‌آوری‌سنگ باپیل وکلنگ و گاوآهن قابل کشت نموده وتاسال ۱۳۵۳ بصورت دیم کاری بوسیله کشاورزان این روستاکشت‌میشده وعده‌ای ازاین‌راه امرارمعاش مینموده‌اند، که درسال ۱۳۵۳ ازطرف رئیس وقت منابع طبیعی، که هدفی جز برانداختن کشاورزی‌وآواره کردن کشاورزان نداشته، به‌تصرف اداره منابع طبیعی درآورده واز دست کشاورزان زحمتکش بیرون آورد. گرچه این زمین بدون آب میباشدتولید دیمی آن عده‌ای ازمردم این روستا را تامین میکرد، درجنوب این مزرعه‌هزاران هکتار زمین مرتع وجود داردکه زمینهای کشت چون درجوار مراتع قرار گرفته ازکشت‌آن‌جلوگیری میکنند. ماکشاورزان وارگانهای انقلابی که مایلند این مملکت از وابستگی به اجانب بیرون آیند و کشاورزی احیاء وبیکاران مشغول کار کشاورزی شوند تقاضا داریم‌برای‌تشکیل یك واحد بزرگ کشاورزی به طریقی که مصلحت میدانند اقدا م‌نمایند.»

• نامه زیر باامضاء گروهی از روستاییان چهچهاب، واقع در استان فارس، خطاب به وزیر کشاورزی‌جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده ونسخه‌ای از آن به‌دفتر «نامه مردم» ارسال شده است:

«محترما بعرض میرسانیم، اینجانبان زارعین چهچهاب مزرعه خالدآب، ازدست رژیم سابق‌وماموین ازخدا بی‌خبرچندین سال است فریاد مظلومانه میزنیم. توسط مامورین ژاندارمری درسال ۱۳۵۴ از اینجانبان ملك راگرفتند وبه هر دری میزنیم جواب ناامید کننده میدهند و مالکین همجوارقریه معصوم‌آبادمیخواهند بنام خودشان این ملك راتصرف کنند و ثبت نمایند بارشوه‌خواری وپارتی بازی. ازمقام محترم مقامهای حکومت جمهوری اسلامی استدعا داریم که نگذارید حق بیچارگان پایمال گردد ومالکین‌رابخواهید وببینید آیا صورت خرید ازماداراند یا اینکه دروغ وحقه‌بازی است که دارند حق عده‌ای راپایمال میکنند و مامورین اداره ثبت هم مدارك مارانادیده میگیرند وبسود مالکین رای میدهند.»

رونوشت نامه‌ای‌که توسط گروهی از دهقانان قریه‌کورکی‌کربال، واقع‌دراستان فارس، به مقامات مسئول نگاشته شده است، به نامه «مردم» رسیده است. در این نامه مسلم‌ترین حق یك دهقان زحمتکش، که زمین ووسائل تولید باشد، درمرکز ثقل مشکلات وگره‌گشای اصلی آن قرار داده شده است. روستاییان می‌نویسند:

«نظربه‌اینکه درزمان کشت محصول، آقای تقی عظیم دستور عدم‌کشت زمینهای زراعتی کورکی کربال راکه در رژیم گذشته بانحصار خود درآورده بود، به نمایندگان خود صادرنمود، ازطرفی‌اوامر رهبر انقلاب درمورد کشت زمینهای کشاورزی‌برای رهائی‌ازوابستگی‌کشاورزی به‌بیگانه نیز شرف‌صدور یافته بود، ما کشاورزان بابنیه کم مالی‌که داشتیم در اجرای اوامر رهبر انقلاب کلیه زمینهای مزروعی ده کورکی راکشت نموده وبا مشکلاتی‌که آقای تقی عظیم وسیله‌دادگاه وپاسگاه ژاندارمری دودج وایادی خود برایمان فراهم نموده بودند، با هزار بدبختی زمینهای ده رازیر کشت برده وخاك آب هم دادیم.»

این روستائیان مینویسند که ایادی شخص نامبرده به عناوین مختلف‌روستاییان راتحت فشار قرارداده‌اند وبا انحصاری کردن وسائل تولید وآب دردست خود میکوشند آنان رامجبور به عقب نشینی نمایند.

این کشاورزان درنامه خود از مقامات مسئول درخواست وسائل لازم‌برای‌تولید وخنثی کردن اقدامات توطئه‌آمیز عناصر ضد دهقان را دارند.

• • •

ریشه تمام مشکلات اساسی دهات‌ایران واقتصاد کشاورزی ما، در ادامه ستم زمینداران بزرگ واستثمار بیرحمانه آنها نهفته است. باید این ریشه راکند. میلیونها دهقان ایرانی برای آنکه حق‌به حقدار وزمین به دهقان برسد، مبارزه کرده‌اند. قانون ۸ اسفند اصلاحات‌ارضی شالودهٔ حل مسئله وریشه کنی بزرگ مالکی رافراهم میسازد. برای آنکه به بهترین وجهی این قانون، باترتیب‌لازم وبا دقت‌کافی اجرا شود، لازم است که دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین درهر ده و بخش کمیته‌های خودرا تشکیل دهند واز آن راه بانیروی اتحاد وعمل مشترك خود ودرهمکاری بانهادهای انقلابی واخذکمك ازجهاد سازندگی وسپاه پاسداران و شخصیتهای مترقی محلی، از مقامات مسئول اجرای هرچه کاملتر و قاطع‌تر قانون راطلب کنند. ازطریق این کمیته‌ها بایدنمایندگان دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین درشوراهای ده شرکت داشته باشند، زیرا درهیئت هفت‌نفری اجرای قانون، دونفراز جانب شورای ده باید حضورداشته باشند. دهقانان تهیدست درصورت اتحاد خود و تشکل درکمیته‌های دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین میتوانند وباید به اجرای قانون عملا کمك کنند ودسایس بزرگ مالکان راعقیم‌گذارند وبدریافت زمین‌نائل شوند.

چین همکاری نظامی خود را با کشورهـای امپریالیستی گسترش می‌دهد

وزیر دفاع انگلیس، کـه ازچین دیـدن می‌کند، ازچند پایگاه نظامی این‌کشور دیدن کرده‌است. وزیر دفاع انگلیس در مـذاکرات خود با رهبران چین مسئله فـروش سازوبرگ نظامی به این‌کشور را بطورجدی مورد بررسی قرارداد. دیدار وزیردفاع انگلیس از چین، که درپی‌دیدار وزیردفاع آمریکا ازاین‌کشور صورت گرفت، نشان میدهدکه مائوئیست‌های پکن، در طرح‌های تجاوزکارانـه خـود درآسیای جنوب شرقی، میخواهند هرچه بیشتر حمایت قدرتهای امپریالیستی‌را جلب‌کنند.

کشورهای جنوب شرقـی آسیا و بویـژه محافل ترقیخواه‌کشورهای عضواتحادیه آسیای جنوب شرقی(آسه‌آن) ازهم‌اکنون نگرانی‌خود را ازهمکاری نظامی‌مائوئیست‌های پـکن بـا قدرتهای امپریالیستی‌ابراز می‌دارند.

رژیم سادات پاداش خوش‌خدمتی خود را درمورد پذیرش شاه مخلوع از آمریکا بصورت اسلحه دریافت می‌دارد

امپریالیسم‌آمریکا درپی‌خوش خدمتی‌اخیر رژیم سادات درمورد پذیرفتن شاه مخلوع اعلام کردکه صدوپنجاه میلیون دلار دیگر سلاح در اختیاراین رژیم سرسپرده قرار میدهد. وزارت دفاع‌آمریکا اعلام‌کرده‌است که صدها نفربرجدید به ارتش‌مصر تحویل خواهد داد.

آمریکا در پـی‌امضاء موافقت‌نامه خائنانه کمپ‌دیوید برای تبدیل رژیم مصر بـه یکی‌از تکیه‌گاههای عمده خود درخاورمیانه وآفریقا تـلاش میکند. امپریـالیسم آمریـکا نقش ژاندارم را به رژیـم سرسپرده سادات تفویض کرده است.

ترور اسقف‌سان‌سالوادور ـ تازه‌ترین جنایت مرتجعین ال سالوادور

قتل اسقف آرنولفورومرو، اسقف سان ـ سالوادوربوسیله تروریست‌های دست‌راستی‌سان ـ سالوادور، که باحمایت‌سازمان‌سیا صورت‌گرفت، خشم وانزجارمردم‌این کشوررا برانگیخته‌است. اسقف سانسالوادور، کـه بـارها خواهان قطع مداخله امپریالیسم آمریکا درامور داخلی ال ـ سالوادور شده واعلام‌کـرده بودکه آمریکا حق ندارد به دار ودسته حاکم براین کشور وگروه‌های ارتجاعی اسلحه‌بدهد، بوسیله‌تروریست‌های دست‌راستی بقتل‌رسید. اسقف سان‌سالوادورقبلا چندبار بوسیله‌گروه های دست‌راستی تهدیدشده بودکه‌ازجمله باین‌گروه ها خود داری‌کنند. قتل آرنولفودو مرو تازه ترین جنایت گروه هـای ارتجاعی‌السالوادور دراین کشوراست.

رویدادهای جهان

کنفرانس صلح وامنیت آسیا افزایش قدرت نظامی آمریکا را درخلیج فارس خطری برای ملل منطقه دانست

کنفرانس صلح وامنیت آسیا، که دردهلی‌نو تشکیل شده بـود، بکار خود پایان داد. این کنفرانس درقطعنامه خود تاکیدکردکه‌افزایش قدرت نظامی‌آمریکا درخلیج فارس خطری‌برای ملل این منطقه است.

درقطعنامه‌کنفرانس هیاهوی امپریالیستها علیه افغانستان محکوم شد وسیاست تجـاوز ـ کارانه مـائوئیست هـای چین علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام مـورد تقبیح‌قـرارگرفت. قطعنامه‌یادآورمیشودکه بایدبرای قطع‌تحریکات آمریکا دراقیانوس هند فعالیت ها تشدیدشود.

دولت انقلابی نیکاراگوئه دست‌بکار تجدیدساختمان‌اقتصادی کشور شده است

دولت انقلابی نیکاراگوئه برای تجدید ساختمان اقتصادی‌کشور پایه‌گذاری‌یك اقتصاد مستقل، یك رشته برنامه‌های‌ضربتی تنظیم‌کرده است. گزارش‌های رسیده‌از نیکاراگوئه‌حاکی از آن است که‌دولت‌برای‌از میان‌بردن‌بیکاریها، تامین مسکن و بهداشت طرح‌های ضربتی را بمرحله اجرا درمی‌آورد. دولت نیکاراگوئـه همچنین برنامه‌اصلاحات‌ارضی را اجرامی‌کند. برای قطع نفوذ امپریالیست های آمریکائی و ایادی داخلی آن، تجارت خارجی ملـی شده است.

امپریالیسم آمریکا کمـاکان به نمـایش قدرت درسواحل نیکاراگوئه ادامه میـدهد و تلاش دارد روند انقلابی درنیکاراگوئه راسد کند. گفته میشودکه آمریکا در هندوراس و گواتمالا فراریان‌رژیم‌سوموزارا برای‌خرابکاری در نیکاراگوئه آموزش میدهد.

دبیراول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، در کنگره این حزب، امپریالیسم امریکا را محکوم کرد

یانوش‌کادار دبیراول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان درگزارش خود به‌کنگره این حزب اعلام‌کردکه در دودهه گذشته‌گامهای‌کشور درزمینه اقتصادی واجتماعـی بسیار چشم‌گیربوده است.

کادار در زمینه سیاست خارجی‌گفت‌که اکنون محافـل امپریالیستی، و در درجـه اول امپریالیسم آمریکا، تلاش دارنـد جهان را بـه‌دوران جنگ سرد بازگردانند، اماکشورهـای سوسیالیستی مصممانـد از تجدید جنگ سردجلوگیری‌کنند.

کادار در نطق خود همدستی مائوئیست‌های پکن‌را باامپریالیسم‌آمریکا محکوم‌کرد.

آندره‌کریلنکوعضودفترسیاسی حزب‌کمونیست اتحادشوروی، که ریاست هیئت نمایندگی حزب‌کمونیست این‌کشوررا درکنگره‌کمونیستهای مجارستان بعهده دارد، درنطق خـودگفت‌که خوش‌بینی واطمینان بـه‌آینده روح حاکـم برکنگـره است. کریلنکوضمن اشاره بـه‌تحریکات امپریالیستها‌تاکیدکردکه همه باید بدانندکه سیاست شانتاژ وتهدید نسبت‌به‌اردوگاه‌سوسیالیستی راه بجائی نمیبرد.

صهیونیست‌های اسرائیل غصب زمین‌هـای اعراب را در بیت‌المقدس گسترش می‌دهند

صهیونیست‌های اسرائیل، باحمایت امپریالیسم‌آمریکا، طرح‌های درازمدت خـودرا در سرزمین اشغالی اعراب اجرا می‌کنند. دولت اسرائیل اعلام‌کرده است‌که همچنان بـه‌ساختن آبادیهای یهودی‌نشین تازه درکرانه غربی‌رود اردن ونوارغزه ادامه خواهد داد. دولت‌اسرائیل همچنین تصمیم‌گرفته است‌که درشهرالخلیل باغصب زمین‌های‌اعراب دومؤسسه‌جدید تأسیس‌کند. همچنین اعلام شدکه اسرائیل تصمیم‌گرفته‌است مقادیر زیادتری‌اززمین‌های اعراب‌بیت‌المقدس را غصب‌کند.

اعراب‌کرانه غربی رود اردن واعراب‌بیت‌المقدس بعنوان اعتراض‌به‌اقدام‌های‌اسرائیل درمورد شهرالخلیل، دست به‌اعتصاب همگانی زده‌اند. مقام‌های اسرائیلی برای مقابله باموج خشم وانزجار مردم، تدابیر امنیتی شدیدی را بمورد اجرا درآورده‌اند.

پیام نوروزی واحد حزب توده ایران در برلن غربی

رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران

فرا رسیـدن عید نوروز و دومین بهار آزادی را به رفقای کمیته مرکزی، اعضا وهواداران حزب توده ایران و بخلق دلاور ایران شادباش میگوئیم ودر سال نو تعمیق وگسترش هر چه بیشتر دستاوردهـای انـقلاب ضـد امپریالیستی و خلقی مردم ایران را آرزومندیم.

با درودهای آتشین
واحد حزب توده ایران ـ برلن غربی

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسنادحزبی(اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در «مردم» ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران‌را، با استفاده ازتمام‌امکانات، به‌وسیع‌ترین‌شکل تکثیر کنیدوبه‌توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس‌کنونی این یك وظیفه مبرم انقلابی است.

حزب تودهٔ ایران ـ سازمان ایالتی گیلان، انتخابات رشت را مخدوش میداند

حزب تودهٔ ایران ـ سازمان ایالتی گیلان، طی نامه‌ای به انجمن نظارت مرکزی بر انتخابات مجلس شورایملی شهرستان رشت، انتخابات این شهرستان را مخدوش اعلام‌کرده‌است. متن نامه بشرح زیرین است:

انجمن نظارت مرکزی بـر انتخابات مجلس شورای ملی شهرستان رشت.

احتراماً دلایل ذیل را دایر برخدشه‌دار بودن انتخابـات رشت به استحضار میرساند:

اولا با انتشار اعلامیه وزارت کشور مبنی بر عدم انجـام تبلیغات انتخاباتـی ۲۴ساعـت پیش از شروع اخـذ آراء وسیله کاندیداها وتأکید امام برروی همین‌مسئله وتـأیید مقـام ریاست جمهوری، حجت‌الاسلام آقای لاهوتی‌اشکوری، یکی ازکاندیداهای رشت ونماینده امام دربرگزاری نمازجمعه‌گیلان، متأسفانه درروز جمعه ۲۴اسفند ماه سال۵۸، خطبه‌های نمازجمعه را به امر تبلیغ انتخاباتی بسود خود ویاران مؤتلفش‌مختص ومحدود نمود وصدای جمهوری اسلامی‌مرکز رشت مستقیماً آنرا پخش‌کرد.

نظربه اینکه‌گروه زیادی از رأی‌دهندگان بهنگام ایـراد خطبه درپای صندوق اخذ آرا بوده وگروه بیشماری هنوزموفق‌به تسلیم رأی خود نشده بودند، این تبلیغات بنحوچشم‌گیری دررأی دهندگـان مؤثـر شده و جهت رأی‌گیری را بسود آنـان تغییر داده است.

ثانیا درآراء مأخوذه مشاهده‌گردیدکه‌گروهی از افـراد غیرمسئول پیرامون صندوقهای اخذ آرا درنقاط مختلف پراکنده بودند ونظرخویش‌را برای دهندگانی کـه فاقد سواد بوده‌اند، بـا نوشته تحمیل و فهرستی از کاندیداهای مورد نظر، یعنی آقایـان لاهوتی و رمضانی وخزاعی ـ رئیس تلویزیون رشت ـ را به آنان تسلیم داشته‌اند، که اصولا این‌عمل ناقض قوانین موضوعه بـوده و دخالتی‌آشکار ومستقیم درامر انتخابات است وشاهدان عینی‌مراتب را بچشم خویش دیده وحاضر به‌گواهی میباشند. بنابدلایـل بالا، مخدوش بودن انتخابات رشت را اعلام وتقاضای رسیدگی‌دارد.

حزب تودهٔ ایران ـ سازمان ایالتی گیلان
۵۸/۱۲/۲۸

توجه!

جلسات «پرسش وپاسخ»، **ساعت ۳ تا ۵ بعدازظهر** در دبیرخانه کمیته مرکزی‌حزب‌توده ایران تشکیل میشود. تا اطلاع ثانوی، بجای روزهای چهارشنبه، **روزهای‌پنجشنبه‌از**

یکشنبه‌ها: «مردم» بزبان کردی

هموطنان‌کرد مقیم تهـران میتوانند روزنامه مردم بـزبان کردی‌را، که روزهـای یکشنبه منتشرمیشود، ازکیوسکهای‌مختلف تهران دریافت دارند.

مالکیت و حاکمیت

آیاکشتی انقلاب ایران به‌بندرگاه خود رسیده است؟

یکی ازمختصات دو تن سخنگوی عمده سیاسی، که پس از انقلاب مردم ایران وارد عرصه شده‌اند ، یعنی آقای مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر دولت موقت سابق و آقای ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهورمنتخب کنونی عبارت است ازتمایل به‌اندرزگویی‌برای حل‌مسایل بغرنج اقتصادی وسیاسی.

آقای بازرگان زمانی کارمندان ادارات دولتی وغیردولتی را پند میدادند که بیکار منشینند و کار کنند تاامور بجائی برسد. آقای بنی‌صدر درتاریخ ۱۹ اسفند در بازار تهران همه بازاریان و کاسبکاران را پند میدادند که گران نفروشند وبه‌تبسم‌خریداران بیش ازسودهای کلان خود ارج بگذارند والا موج انقلاب آنها را هم غرق خواهد کرد. هر دو اندرزگویان‌مثالهای‌شیرین‌میزنند. این خوب، ولی ما تردید داریم که وضع بدرا اندرزهای نیك بتواند چاره کند.

قبل ازهر اندرزی باید ازخود پرسید: آیا کشتی انقلاب ایران به ساحل مراد، به‌بندرگاه مطلوب خود رسیده است؟

ما درهمان ایام که‌آقای بازرگان می‌گفتند دوران انقلاب بسر آمده، حالا دوران نوسازی است، گفتیم که‌انقلاب دردوران نوسازی‌نیست، بلکه دردوران‌انتقال است‌ومحتوی دوران انتقال «که برکه»، یعنی روشن شدن مسئله حاکمیت‌است. بالاخره چه‌کسی‌پس‌ازاین انقلاب قدرت حاکمه را بدست میگیرد: مانند سابق سرمایه‌داری (منتها موقتا قشر لیبرال آن، که بعدا وابسته خواهد شد) یاخلق؟ وقتی رهبرانقلاب ازحکومت «مستضعفین» سخن می‌گوید، جواب این‌پرسش روشن‌است. یعنی‌ماآزموده‌گذشته را نمی‌آزماییم. قصد نداریم حال که الیگارشی سرمایه‌دار پهلوی و دارودسته‌اش را از مسند بزیر آوردیم، نمونه های کوچکتر آنها رابه مسند بنشانیم، زیرااین کار سفاهت است. برای اینکار، چنین انقلاب عظیمی، چنین فداکاریهای خونینی لازم نبود. ما انقلاب کرده‌ایم که حاکمیت را عوض کنیم وهمراه آن مالکیت رابسود خلق تغییر دهیم.

حاکمیت که یك مقوله سیاسی است، مقوله همزادی در اقتصاد دارد، که مالکیت نام دارد. با تغییرحاکمیت سرمایه‌داران‌وابسته وملاکان بزرگ، ناچار مالکیت نیز باید تغییر کند. اینراقانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح کرده است که، شکل عمده مالکیت درآینده ایران، مالکیت دولتی وتعاونی خواهد بود. مالکیت خصوصی سرمایه داران متوسط وکوچك البتّه بوجود خود ادامه خواهد داد، ولی بشکل فرعی و تحت کنترل بخش های عمومی و تعاونی.

حالا این سئوال پیش می‌آید: آیا مسئله حاکمیت حل‌شده‌است؟ آیا حکومت خلق درایران بوجود آمده است؟ آیا مسئله مالکیت حل شده است؟ آیا تقسیم اراضی دهقانی وتنظیم بخش دولتی کنترل بازرگانی خارجی سرانجامی گرفته است؟ آیا «که برکه» درعرصه سیاست واقتصاد بسودمردم خاتمه یافته است؟ پاسخ همه این سئوالها منفی است.

پس دراین شرایط اندرزگویی چه سودی دارد؟ البته مابااندرزو آژیر دادن ابدا مخالفتی نداریم وتاثیرات محدودوگذرای تسکین‌بخش آنراهم انکار نمی‌کنیم . ولی بالاتر ازآنها به نیروی‌عظیم واقعیت های سیاسی و اقتصادی معتقدیم وبرآنیم که در صدد ایجاد تغییر دراین واقعیات باید بود.نتیجه خودبخودبدست می‌آید.

درست دراین زمینه است که وضع بحداعلی مبهم است: حوادث مربوط به گروگانها، اختلافات درشورای انقلاب، تمایل‌به‌سست کردن مبارزه ضد امپریالیستی و ضد سرمایه‌داری نگرانی‌ودلسردی ایجاد میکند. احکام ضدونقیض است. ارگانها یکدیگر را فلج میکنند.

ماسخن امام را، که بنظر ما نه‌فقط صحت، بلکه مبرمیت و حدت وفعلیت خودرا حفظ کرده است، تکرار می‌کنیم : انقلاب هنوز درراه است. اگر انقلاب برای طی بقیه راه خویش باهمان عزم جزم انقلابی سال ۵۷ عمل نکند، دچاررنگ‌زدگی وپوسیدگی میشود.

انقلاب به حاکمیت نوومالکیت‌نو نیازمند است ودراینجامسئله برسر اشخاص نیست، که جمعی‌بروندو جمعی بیایند. مسئله برسر الفاظ نیست که سخنانی گفته نشود و سخنانی گفته بشود. مسئله برسر نام خیابانها وعنوان نهادها نیست. همه اینها ظواهر است، که البته درجای خود بی‌اهمیت نیست، ولی بخودی خود چیزی راحل نمیکند. مسئله درست برسر ایجادحاکمیت نوو مالکیت نو بسود خلق است. کادر نو، سیاست نو، عمل نو انقلابی می‌تواند جامعه مارا، که بسیار بیمار است، بسوی تداوی تدریجی ببرد.

اگر انقلاب ما دراین دوعرصه پیروز نشود، قافیه راباخته است وبرای آنکه انقلاب مادراین دو عرصه پیروز شود، اول زمامداران باید ازبیابان تصورات و الفاظ خارج‌شوندودرحیطه تحلیل‌مشخص وعلمی واقعیات گام‌گذارند.

مجارستان سوسیالیستی

باگامهای استوار به‌پیش میرود

دوازدهمین کنگره «حزب سوسیالیست کارگری مجارستان» درآستانه سی‌وپنجمین سالگرد آزادی آن‌کشور ازبند فاشیسم(۴آوریل۱۹۴۵) برگزارمی‌شود. تقارن این‌دو جشن، بیانگر راستین همبستگی و هم سرنوشتی خلق مجارستان وحزب طرازنوین طبقه کارگر آن‌کشور، بویژه پس ازبنیانگذاری «جمهوری توده‌ای مجارستان» است.

این، «حزب سوسیالیست‌کارگری مجارستان» بودکه از فرصت تاریخی «ساعت صفر» درآوریل رهائی‌بخش استفاده جست‌و مجهزبه آرمان آینده‌ساز مارکسیسم‌ـ‌لنینیسم وبه پشتوانه شور انقلابی‌زحمتکشان مجارستان، خلق آن‌کشور را بسوی سوسیالیسم راهنما گشت.

در ۳۵سال گذشته مجارستان دگرچهره شده‌است.مجارستانی که زمانی‌جزکشاورزی عقب افتاده چیزی نداشت و به «دیار سه میلیون گدا» معروف بود، اینك میتواند بخود ببالدکه، نه تنها به کشوری صنعتی‌ـ‌کشاورزی وپیشرفته تبدیل یافته است، بلکه نسل جوان‌آن پدیده‌هائی‌چون بیکاری، بیسوادی و زاغه‌نشینی را در مجارستان، تنها درکتب تاریخی میتواند بخواند.

بسیاری از مراحل این دگرگونیهای دگرچهره‌ساز را میتوان درآئینه رهنمودهای‌کنگره‌های حزب سوسیالیست‌کارگری مجارستان، بویژه دردهه پیش، مشاهده‌کرد.

یکی ازخبرنگاران مجارستان، به‌کسانی‌که وقت ویاحوصله آنرا ندارند تا اسناد ومدارك قطور این‌کنگره‌ها را ورق بزنند، توصیه میکند، «نقشه‌های مجارستان را درسالهای ۱۹۴۹ و۱۹۷۹ با یکدیگر مقایسه نمایند»! دراینصورت، پی‌خواهند بردکه یافتن دهها شهر، صدهامرکز صنعتی‌وشبکه‌ای گسترده ازسدها،بزرگراهها آبراهه‌ها و. . درنقشه مجارستان سی‌سال پیش امری است عبث.

درپرتو سوسیالیسم و زیر رهبری خردمندانه «حزب سوسیالیست‌کارگری مجارستان»، درآمد ملی«دیارسه‌میلیون‌گدا»، درسی‌سال‌گذشته چهاربرابر ونیم شده‌است. درهمین دوران‌افزایش تولیدکشاورزی دو برابر وتولید صنعتی هشت برابر بوده است . افزایش تولیدکشاورزی بویژه ازآنجهت چشمگیراست‌که علیرغم کاهش شمارهٔ دهقانان به نصف تعداد آنها در سی‌سال پیش، حاصل شده‌است. درسه دههٔ پیش، دستمزد واقعی سرانه در مجارستان دو برابر ونیم ودرآمد واقعی‌سرانه سه برابر گشته‌است.

باتوجه‌بدستاوردهای‌درخشان «جمهوری‌توده‌ای»مجارستان، برهبری حزب طبقهٔ کارگرآن کشور، که در بالا تنها به یادآوری چند نمونه معدودآنها بسنده‌کردیم، شگفت‌آور نیست‌که ایمره‌راتز (Imre racz)، ریخته‌گر کارخانهٔ«ورش‌چیلاک» (voros zsillag) ستارهٔ سرخ بوداپست و رهبر «بریگاد سوسیالیستی شاندورسیکلای (Sandor siklai)»، میگوید:

حزب ما بدون چهارم‌آوریل چه میبود وچهارم‌آوریل بدون حزب ما چه ؟.

حال‌که‌از«بریگاد سوسیالیستی شاندورسیکلای» نام بردیم، بد نیست یادآور شویم‌که این بریگاد در بهمن‌ماه سال‌گذشته همه بریگادهای سوسیالیستی مجارستان را فرا خواند تا باافتخار برگزاری کنگره دوازدهم، «حزب سوسیالیست‌کارگری مجارستان»، درآستانهٔ‌سی‌وپنجمین‌سالگردبنیانگذاری‌جمهوری‌توده‌ای‌مجارستان، در یکی از شنبه‌های تعطیل اسفند‌ـ‌فروردین، دستمزد ۳۵ در ۱۲ دقیقه‌کار خودرا برای ایجاد شیرخوارگاهها،کودکستانها ودبستانهای جدید اختصاص دهند. این پیشنهاد ابتکارآمیز هم اکنون مورد استقبال پرشورهزاران «بریگاد سوسیالیستی» درسراسر مجارستان قرارگرفته است.

ابتکار نامبرده تنها بخشی است از شرکت فعال همه جانبه مردم مجارستان در تدارك کنگره حزب. هشتصد هزارکمونیست مجارستان ـ یك دهم سکنهٔ بالغ کشور ـ وهزاران تن غیر حزبی هفته‌هاست که‌به‌بحث‌وسیع،انتقادی‌وخلاق دربارهٔتزهای کمیته‌مرکزی حزب برای‌کنگره مشغولندوهرکس میکوشد تا با تطبیق وکاربست این رهنمودهای عام برگسترهٔکاروفعالیت مشخص خود، وظیفه‌حزبی ومیهنی خویش را بجا آورد.

● درجمهوری توده‌ای مجارستان‌ازسال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۴ بیش از۱/۵ میلیون واز ۱۳۵۵ تاکنون‌نزدیك به۴۵۰هزارخانه ساخته شده است .

بااین‌ترتیب‌ازسال ۱۳۳۹ تابحال نیمی ازجمعیت مجارستان صاحب خانه نوسازگردیده است.

● درسالهای۵۸ـ۱۳۵۴ متجاوزاز۴۵۰۰ کلاس‌درس وصد هزارجای‌کودکستان درمجارستان پدیدآمده‌است. زنان مجارستان میتوانند،تامدت سه سال پس‌اززایمان مرخصی‌بگیرند.دراین‌مدت نه تنها محل کار آنها حفظ خواهد شد . بلکه از دولت نیز کمك هزینه‌ای دریافت میکنند ، که سال پیش بالغ بر ۳/۷ میلیون فورنیت بوده است .

جدول زیراطلاعات بیشتری دراین‌باره بدست میدهد:

	۱۳۳۹	۱۳۵۸
شمارهٔ جای‌کودکستان	۲۰۸۶۴۷	۳۶۴۵۰۰
شمارهٔ جای شیرخوارگاه	۴۰۰۰۰	۶۱۰۰۰
شمارهٔ زنانی‌که پس‌از زایمان ازمرخصی وکمك‌هزینه‌بهره‌مند میشوند	۱۷۰۰۰۰	۲۶۴۰۰۰

● جدول زیرافزایش برخی‌کالاهای مصرفی را درپنج‌سال اخیر درمجارستان نشان میدهد:

شمارهٔکالاهای مصرفی (به‌نسبت صدخانوار)

کالا	۱۳۳۹	۱۳۵۴	۱۳۵۸
ماشین رختشویی	۱۳	۶۶	۹۰
تلویزیون	۳	۶۷	۹۰
یخچال	۱	۵۸	۸۰
ماشین شخصی	۱	۱۴	۳۰

شادباش کمیتهٔ‌مرکزی حزب‌تودهٔ ایران

به‌کمیته مرکزی حزب کمونیست‌سوریه بمناسبت برگزاری پنجمین کنگرهٔ حزب کمونیست‌سوریه

رفقای عزیز!

درودهای‌گرم‌ماابمناسبت برگزاری پنجمین کنگره حزب کمونیست سوریه بپذیرید . اطمینان داریم‌که این کنگره برپایه تجارب غنی‌حزب‌شما،گامهای‌موثری‌درراه پیشبرد منافع‌زحمتکشان سوریه برخواهد داشت.

مابخوبی به نقش مهم حزب‌کمونیست سوریه در تقویت «جبهه ملی مترقی سوریه» آگاهیم، حزب شما همواره و خستگی‌ـ ناپذیر ، علیه‌امپریالیسم وصهیونیسم ودرراه تحقق خواست های اجتماعی‌ـ اقتصادی خلق سوریه ، بویژه توده زحمتکش کشورشما، رزمیده است . ماهمچنین برای پیکار حزب کمونیست سوریه‌درراه هدفهای جنبش‌های آزادیبخش خلقهای عرب و خاورمیانه ارزش فراوان قائلیم.

انقلاب ضد امپریالیستی ، دمکراتیك وخلقی ایران ، برهبری امام‌خمینی، نه‌تنها بساط دیکتاتوری‌ننگین پهلوی ،یکی‌از جانی‌ترین خاندانهای زمان ما رابرچید ، بلکه همچنین ضربه‌ای سهمگین‌برپیکر امپریالیسم، بویژه‌امپریالیسم‌آمریکا، واردآورد.

اکنون ، در مرحله دوم انقلاب شکوهمند ایران ، خلق ما برآنست‌که دست امپریالیست‌ها رابرای همیشه از سرزمین‌ما کوتاه کند وهرچه بیشتر درراه پیشبرد منافع اقتصادی واجتماعی زحمتکشان وحقوق وآزادیهای دمکراتیك آنان‌گام بردارد.

در برابر تشبثات واپس‌گرایانه ضد انقلاب و تلاشهای سازشکارانه بورژوازی لیبرال ، حزب توده‌ایران همه نیروهای مترقی ، خلقی ومذهبی ـ انقلابی ایران رافراخوانده است تا در یك «جبهه متحد خلق» درراه تثبیت دستاوردهاوگسترش وتعمیق روند انقلاب ونابودی ارتجاع وامپریالیسم مبارزه خود راادامه دهند .

پس از شکست بزرك امپریالیسم آمریکا درایران و تلاش آن برای بازیافت سنگرهای از دست رفته ، ازراه تحکیم‌سلطه خویش بردیگر نقاط منطقه وپدید آوردن کانونهای‌جدید تشنج، ازجمله درافغانستان ، احزاب کمونیست وکارگری و جنبش‌های آزادیبخش منطقه وظیفه دارند که پیکارضد امپریالیستی خود را هرچه بیشتر گسترش دهند وهماهنك سازند. ماپنوبه خودآمادگی خود را دراین‌باره تکرار می‌کنیم.

درپایان ، بار دیگر پیروزی کنگره حزب‌شماراخواهانیم.

کمیته مرکزی حزب توده‌ایران
دبیراول : نورالدین کیانوری

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان۱۶ آذرـشمارهٔ۶۸
تلفن: ۹۳۳۴۵۹ـ۹۳۵۷۲۸
چاپ: کاویان

MARDOM
No. 197
27 March 1980
Price:
West — Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

نام نویسی درحزب تودهٔ ایران

کارگران وزحمتکشان هوادار حزب تودهٔ ایران که مایلند درحزب ثبت‌نام‌کنند، ولی درایام هفته فرصت‌اینکار را ندارند، می‌توانندروزهای جمعه ازساعت ۹تا۱۱صبح و از ۲تا۵ بعدازظهر بدبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر،ضلع‌غربی‌دانشگاه‌تهران، مراجعه‌کنند، در شهرستانهانیز دفاتر حزب‌تودهٔ ایران برای نام نویسی آماده است.

متقاضیان هنگام ثبت‌نام حتما شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

برای شهیدان‌حزب و جنبش

«مردم» درنظرداردعکسهای تمام‌مبارزانی‌راکه‌دردوران‌سلطنت ننگین ومنفورخاندان پهلوی در راه‌آرمانهای ملی‌ومیهنی‌وانسانی خود بشهادت‌رسیده‌اند،جمع‌آوری کند. ازهمه‌میهن‌دوستان‌وآزادی‌ـ خواهان تقاضامیشودکه هرعکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس ـ «مردم»